

# رساله پولس رسول به کولسیان

## مقدمه

کولسی یکی از شهرهای کوچک امپراطوری روم باستان بود که در آسیای صغیر (ترکیه کنونی) قرار داشت. کولسی حدود صد و هشتاد کیلومتر با افسس فاصله داشت. هنگامی که پولس در افسس اقامت کرده بود، بسیاری از اهالی کولسی که به افسس رفت و آمد می‌کردند، سخنان او را شنیدند (مقدمه افسسیان را مشاهده کنید). یکی از این افراد، شخصی به نام ایفراس بود که توسط پولس، به مسیح ایمان آورد (کولسیان ۷:۱-۸) و پس از مراجعه به کولسی، کلیسایی را در آن شهر ایجاد نمود.

از قرار معلوم، یک سری تعلیم غلط وارد کلیسای تازه بنیاد کولسی شده بود. از این جهت، ایفراس از پولس درخواست کرده بود که با نوشتن نامه‌ای به کولسیان، تعلیم غلط را رد کرده، انجیل راستین عیسی مسیح را به آنها تعلیم دهد. از آنجا که شهرت پولس در تمامی آسیای صغیر و خاورمیانه پیچیده بود، ایفراس امیدوار بود که کلیسای کولسی سخنان پولس را بشنوند و از پیروی تعلیم غلط خودداری نمایند.

لذا، مشاهده می‌کنیم که در دو باب اول این رساله، پولس رسول به شرح مبانی اصلی و اساسی مسیحیت پرداخته، تعلیم کذب را رد می‌کند. و سپس در دو باب پایانی رساله، پولس رسول در رابطه با مسائل عملی انجیل مسیح، تعلیم داده روش صحیح زندگانی در ایمان را به کولسیان آموزش می‌دهد.

اکثر مفسرین کتاب مقدس، معتقدند که پولس رسول این رساله را در سالهای ۶۰-۶۱ میلادی، یعنی در زندان روم، نوشته است. پولس رسول، این نامه و نامه به فیلمون را توسط یکی از همکارانش به نام تیخیگس، از روم به کولسی ارسال نمود. جهت مطالعه بیشتر پیرامون زندگی پولس، مقدمه رومیان را مشاهده کنید.

## رئوس مطالب

الف) شکرگزاری و دعا (۱:۱-۱۴)

- ۱- شکرگزاری به جهت ایمان کولسیان (۱:۱-۸)
- ۲- دعا به جهت رشد روحانی کولسیان (۱:۹-۱۴)

ب) برتری مسیح (۱۵:۱ - ۲۳:۲)

- ۱- مسیح، خداوند جهان خلقت است (۱۵:۱-۲۳)
- ۲- خدمت پولس برای مسیح (۱:۲۴ - ۲:۵)
- ۳- پُری حیات در مسیح (۲:۶-۲۳)
- ج) اصول زندگی مقدس در مسیح (۱:۳ - ۴:۱۸)
- ۱- ترک کردن راههای گناه‌آلود زندگی سابق (۳:۱-۱۱)
- ۲- پوشیدن حیات جدید (۳:۱۲-۱۷)
- ۳- اصول زندگی خانوادگی مسیحی (۳:۱۸-۲۵)
- ۴- تعالیم پایانی (۴:۱-۶)
- ۵- سلامها و تحیات پایان نامه (۴:۷-۱۸)

## باب ۱

## دعا و شکرگزاری (۱:۱-۱۴)

امید حیات جاویدان، امید میراث در ملکوت آسمان است. حیات جاودانی، مشارکت دائمی با خدای پدر، زندگی جاوید با مسیح و سلطنت با او، امید راستین همهٔ مسیحیان می‌باشد. امید ما ضعیف و واهی نیست. امید ما قوی است زیرا که این امید، از سوی عیسی مسیح به ما داده شده و بر عیسی مسیح نهاده شده است. عیسی مسیح، امید ماست، زیرا که تمامی برکات روحانی در جایهای آسمانی در او و از او می‌باشد (افسیان ۳:۱). اگر مسیح را پذیرفته باشیم، این برکات را نیز دریافت نموده‌ایم (رومان ۸:۳۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

ایمانداران کلیسای کولسی امید خود را از شنیدن کلام راستی انجیل دریافت نموده بودند. انجیل مسیح، حقیقت است. انجیل حاصل تراوشات ذهن آدمیان نیست. انجیل به وسیلهٔ فکر و تلاش انسانها به وجود نیامده است. انجیل کلام راستی خدا می‌باشد. انجیل، پیام مرکزی کتاب مقدس می‌باشد. زیرا که کتاب مقدس، یک کتاب معمولی و نوشته شده توسط انسانها و زاینده افکار و ملاحظات مردم عادی نیست. کتاب مقدس، کلام خدا است.<sup>۱</sup> بنابراین، ما قادر خواهیم بود که به کتاب مقدس و وعده‌های آن اعتماد کنیم. ما از کلام خدا، امید نجات خود را دریافت می‌کنیم (یوحنا ۵:۳۹-۴۰؛ ۶:۶۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید). ما مسیحیان باید دائماً در بارهٔ آن امیدی که برایمان در آسمان نهاده شده است، تفکر کنیم. زیرا در آن صورت، ممکن است کمتر دربارهٔ مسائل مادی و کسب موفقیت در این عالم و غیره تفکر کنیم و امیدمان را کمتر به این دنیا ببندیم (متی ۱۹:۶-۲۱؛ کولسیان ۳:۱-۲؛ اول پطرس ۱:۳-۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱- جهت مطالعه بیشتر در این مورد، در بخش مقالات عمومی، مقالهٔ «کتاب مقدس چگونه به دست ما رسید» را مشاهده کنید.

۲-۱ تیموتائوس دوست نزدیک، همکار و شاگرد محبوب پولس رسول و دستیار او در کارهای بشارتی و شبانی او بود (اعمال ۱۶:۱-۳؛ اول تیموتائوس ۲:۱). به هنگام نگارش این رساله، تیموتائوس همراه پولس بود، بنابراین پولس نام او را در بخش آغازی رساله و به هنگام سلامها و دعاها در اول رساله ذکر نموده است (افسیان ۱:۱-۲؛ فیلیپیان ۱:۱-۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۳-۴ پولس خدا را برای ایمان و محبت کولسیان شکر می‌کند. ما نیز باید خدا را به خاطر ایمان و محبت یکدیگر شکر نماییم. باید شکرگزاری به خاطر یکدیگر، برایمان به صورت عادت درآید. چه تأسف بار است که بارها به عوض شکرگزاری به خاطر وجود یکدیگر، لب به شکوه و شکایت می‌گشاییم؟ این کار در نظر خدا گناه است! او نمی‌خواهد که شکایتهای ما را از برادران و خواهرانمان بشنود. پس به جای شکایت و گله کردن از یکدیگر، بیایید خدا را برای یکدیگر شکر گوئیم (افسیان ۱:۱۵-۱۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

پولس به طور مخصوصی به جهت ایمان کولسیان و به خاطر محبتی که با جمیع مقدسین می‌نمایند، خدا را شکر می‌کند. ایمان و محبت همیشه دست در دست هم دارند. ایمان بدون محبت و ایمان خالی از کارهای نیکو، ایمانی کاذب و مُرده است، کارهای نیکو و محبت نشانهٔ واقعی بودن ایمان می‌باشد. اگر محبت عملی در بین نباشد، ایمانی هم در کار نیست (غلاطیان ۵:۶؛ یعقوب ۲:۱۴-۱۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۵ پولس می‌گوید که ایمان و محبت، زاینده امیدی که به جهت شما در آسمان گذاشته شده، می‌باشد. این امید کدام است؟ این همان

شود. فقط به کمک روح القدس است که محبت در قلب ما ریخته می شود (رومیان ۵:۵). محبت، اولین ثمره از ثمرات ثمرات گانه روح القدس می باشد (غلاطیان ۵:۲۲-۲۳).

پولس خبرهای خوبی از سوی اپفراس پیرامون ایمان و محبت کولسیان شنیده بود. بیاید در باره چیزهایی که دیگران درباره ما می شنوند نیز فکر کنیم!

**۹** پولس به نوبه خود دعا می کند که کولسیان از کمال معرفت اراده او (خدا) در هر حکمت و فهم روحانی پُر شوند. در این زندگانی، انواع حکمت و فهم و دانش وجود دارد، ولی مهم ترین دانش و معرفت، دانستن اراده خدا می باشد. زیرا اگر اراده خدا را ندانیم، تمامی علم و معرفتی که کسب کرده ایم بی استفاده خواهد ماند (افسیان ۱: ۱۵-۱۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

اولین گام جهت یافتن معرفت روحانی، داشتن ترس خدا می باشد (مزمور ۱۱۱:۱۰؛ امثال ۱:۷). در عین حال باید به یاد داشته باشیم که ابلیس و ارواح شریر نیز از خدا می ترسند (یعقوب ۲:۱۹)؛ آنها به طور ناقص خدا را می شناسند. ولی دانش آنها به همین جا ختم می شود. آنها حاضر نیستند که به دانش و معرفت خود عمل کرده، خدا را اطاعت و پرستش نمایند<sup>۲</sup>. گام دوم برای دستیابی به

۲- شیطان و نیروهای شریرش از خدا می ترسند. آنها می دانند که در پایان این جهان، نابود خواهند شد. ولی ما ایمانداران از اطمینان نجات برخورداریم و می دانیم که در آخر کار، حیات جاودانی را کسب خواهیم نمود. بنابراین، ما از مجازات ابتدای ترسی نداریم. ترس خدا، اولین گام در راه شناختن خدا و پیدا کردن حکمت است. پس از آنکه به عیسی مسیح ایمان آوردیم، ترس ما از خدا، مبدل به محبت و وفاداری نسبت به خدا خواهد شد (مزمور ۱۱۱:۲؛ اول یوحنا ۴:۱۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

در آیات ۴-۵ ملاحظه می کنیم که در این جهان و در زندگانی ما انسانها، سه چیز مهم وجود دارد و خدا آن سه برکت و هدیه مهم را با فیض عظیم خویش به ما عطا فرموده است. آن سه هدیه عبارت اند از: **ایمان، امید و محبت** (اول قرننتیان ۱۳:۱۳؛ اول تسالونیکیان ۱: ۲-۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۶** پولس رسول می گوید که انجیل عیسی مسیح در تمامی عالم ... میوه می آورد و نمو می کند. ولی انجیل نه تنها در سراسر جهان رشد کرده، میوه آورده است، بلکه در میان کولسیان نیز ثمرات زیادی به بار آورده است.

لازم است از خود بپرسیم که آیا انجیل در میان جماعت و کلیسای ما رشد کرده است و میوه ای ببار آورده است؟ اگر به راستی پیام انجیل را دریافت نموده باشیم و حقیقتاً به مسیح ایمان آورده باشیم، باید ثمرات انجیل در زندگی و کلیسای ما دیده شوند.

پولس یادآور می گردد که انجیل بر پایه فیض خدا بنا شده است. خدا انجیل و نجات و امیدمان را به طور مجانی و بدون توجه به عدم استحقاقمان به ما هدیه نموده است. زمانی که پیام انجیل را می شنویم، فیض خدا را در راستی دریافت می نماییم. برای ما انسانها، انجیل، خبر خوش و مزده فیض خدا می باشد.

**۷-۸** **اپفراس ... خادم امین مسیح** بود. او از سوی مسیح قدرت و تسلط روحانی به جهت موعظه انجیل را دریافت نموده بود. اپفراس هم خدمت پولس رسول بود. پولس و اپفراس، یک ارباب و خداوند (عیسی مسیح) را خدمت می کردند. مفسرین کلام معتقدند که پولس به اپفراس مأموریت تأسیس کلیسای کولسیان را محول نموده بود.

اپفراس به پولس خبر داده بود که کولسیان در روح القدس یکدیگر را محبت می کنند (آیه ۸). پیش از آنکه محبت روح القدس وجود داشته باشد، باید روح خدا در میان ما حاضر

**توانایی جلال او (خدا) به قوت تمام زورآور** شوند. چرا که به وسیله قوت خداست که ایشان توانایی انجام اراده خدا را خواهند داشت. پولس همین دعا را برای افسسیان نیز کرده است (افسیان ۳: ۱۴-۱۶، ۲۰-۲۱).

فقط کافی است که به ایمان دعا کرده از خدا بخواهیم که این قوت را به ما عطا فرماید. خدا نیروی لازم جهت اطاعت کردن از اراده خود را به ما خواهد داد. ولی از سوی دیگر، به یک معنا، ما آن نیرو را دریافت کرده ایم، چون از خدا قوت گرفته ایم، می توانیم به جهت نیروی بیشتر دعا کنیم. از این سبب است که پولس می گوید: **خلاصه ای برادران من در خداوند و در توانایی قوت او زورآور شوید** (افسیان ۶: ۱۰). بلی، از یک سو، باید دائماً از خدا طلب قوت نماییم. ولی از سوی دیگر، خدا به ما می گوید: «من هم اکنون نیروی روح القدس را به تو عطا کرده ام، از قوت من استفاده کن!»

زمانی که به قوت تمام زورآور شدیم، قدرت خواهیم داشت که با صبر کامل و تحمل با شرایط مشکل زندگی روبرو گردیم و آن شرایط را با **شادمانی** پشت سر بگذاریم.

**۱۲-۱۴** پولس سه نعمت بزرگ را به کولسیان یادآوری می کند. پولس رسول از کولسیان، و ما، می خواهد که به خاطر این نعمات و بخشش ها از خدا شکرگزاری نمایند. اولین برکتی که باید به خاطرش شکرگزار بود این است که خدا **ما را لایق بهره میراث مقدسان در نورگردانیده است. ملکوت خدا،** ملکوت و پادشاهی نور است. خدا ما را لایق ملکوت خودش ساخته است، اینک ما تبعه پادشاهی او می باشیم.

دومین برکتی که باید برایش شکرگزار باشیم این است که خدا **ما را از قدرت ظلمت رهاانیده** است (آیه ۱۳). او ما را از تسلط شیطان و امیال پلید سابق خود رهاانید و به **ملکوت پسر محبت خود منتقل ساخت.** ملکوت پسر محبت خود،

حکمت و شناخت خدا، اطاعت از او می باشد. تنها آن کسانی که در دل ترس خدا را دارند و از او اطاعت می کنند **از کمال معرفت اراده او در هر حکمت و فهم روحانی پُر خواهند شد.**

**۱۰** پس متوجه می شویم که داشتن درک روحانی از اراده خدا کافی نیست. ما باید حاضر باشیم که از اراده او نیز اطاعت کنیم (یعقوب ۱: ۲۲). در صورتی اطلاع از اراده خدا برای ما مثمر ثمر خواهد بود که ما راغب باشیم که مطابق اراده خدا زندگی کنیم. اراده خدا چیست؟ آیا اراده خدا این نیست که **به شایستگی آن دعوتی که به آن خوانده شده اید رفتار کنید** (افسیان ۴: ۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید)؟ و رفتار شایسته دعوت ما کدام است؟ آن رفتار مناسب این است که **به طریق شایسته خداوند به کمال رضامندی رفتار نمایید و در هر عمل نیکو بار آورید و به معرفت کامل خدا نمو کنید.**

چه نوع میوه ای مورد پسند خدا می باشد؟ پیش از هر چیز، او می خواهد که ما ثمرات نه گانه روح القدس را به بار بیاوریم (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید). سپس، او می خواهد که از طریق زندگی و شهادت ما، دیگران را به خانواده خود آورده، فرزندان جدید، شاگردان تازه، و ایمانداران جدید تولید نماید. این همان ثمر مقبولی است که خدا می خواهد (یوحنا ۱۵: ۱۶؛ فیلیپیان ۱: ۹-۱۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

بیاد داشته باشید که پولس می گوید که ما باید **به معرفت کامل خدا نمو کنیم.** رشد روحانی ما امری پویا و دائمی است. اگر درختی از رشد و نمو و بارآوری باز ایستد، می گوئیم که آن درخت در حال مُردن و خشک شدن است. باشد که هیچگاه زندگی روحانی ما اینگونه خشک نشود!

**۱۱** مشاهده کردیم که پولس در آیه ۹ برای کولسیان دعا کرد تا آنها از **معرفت اراده خدا پُر** شوند. اینک او دعا می کند که کولسیان **به اندازه**

همان ملکوت خداست (اول پطرس ۹:۲).  
و بالاخره سومین برکتی که باید به خاطرش شاکر باشیم این است که **در وی** (عیسی مسیح) **فدیة خود یعنی آموزش گناهان خویش را یافته ایم** (آیه ۱۴). کلمه **فدیة** به معنای رهایی از پرداخت جرمه گناهان می باشد. فدیة، یکی از مهم ترین جنبه های نجات ما می باشد (رومیان ۳:۲۴؛ افسسیان ۷:۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید). ما دیگر غلام ابلیس و تبعه ملکوت ظلمت و گناه نیستیم. اینک به واسطه قدرت عیسی مسیح، از بند و بندگی آزاد گردیده ایم. ما آزاد شده ایم و اینک تبعه ملکوت آسمان می باشیم (افسسیان ۱۹:۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).  
این سه برکت، صرفاً به عالم آینده مربوط نمی شود؛ بلکه خداوند هم اکنون در این جهان حاضر، این برکات را به ما عطا فرموده است. خدا را به خاطر هدایای غیرقابل وصفش شکر باد!

### برتری مسیح (۱۵:۱-۲۳)

**۱۵ او** (عیسی مسیح) **صورت خدای نادیده است.** هیچ انسانی قادر به دیدن خدا نمی باشد، ولی در زمانی که عیسی مسیح بر روی این جهان خاکی زندگی می کرد، انسانها می توانستند عیسی مسیح را ببینند (یوحنا ۱:۱۸؛ عبرانیان ۳:۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید). با مشاهده عیسی مسیح، قادر خواهیم بود خدا را مشاهده کنیم. از این گذشته، به وسیله مشاهده و تعمق در سیرت عیسی مسیح، خدای پدر را خواهیم دید. زیرا خدای پدر، خود را در صورت پسر یگانه خود عیسی مسیح مکشوف نموده است (یوحنا ۹:۱۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).  
مسیح نه تنها **صورت** خداست؛ بلکه تجسم واقعی و حقیقی خدا می باشد. او خدای قادر مطلق است که به زمین آمده است. او خود خدا است (یوحنا ۱۰:۳۰ و تفسیر آن و مقاله عمومی: «عیسی مسیح» را مشاهده کنید).

خدا انسان را به صورت خود آفرید (پیدایش ۱:۲۷). به همین دلیل است که زمانی که خدا به میان ما انسانها آمد، صورت یک انسان را به خود گرفت. عیسی **نخست زاده تمامه آفریدگان** است. او برادر ارشد ما نجات یافتگان می باشد (رومیان ۸:۲۹). و از آنجا که او نخست زاده می باشد، تمامی اختیارات پدر به او تعلق دارد. خدای پدر، عیسی را **وارث جمیع موجودات** قرار داده است (عبرانیان ۱:۲).

ما به صورت خدا خلق شده ایم و به وسیله مسیح خواهیم توانست که با مسیح هم وارث بشویم (رومیان ۸:۱۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۱۶-۱۷** مسیح نه تنها **نخست زاده تمامه آفریدگان است** (آیه ۱۵)؛ او آفریننده عالم می باشد. **زیرا که در همه چیز آفریده شد، ... همه بوسیله او و برای او آفریده شد.** مسیح پیش از خلقت این جهان وجود داشته است (یوحنا ۱:۱-۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

مسیح همه چیز را آفریده است. به همین دلیل، او بر همه چیز چه در آسمان و چه بر زمین، تسلط و اختیار دارد. او بر تمامی چیزهای **دیدنی و نادیدنی و تختها و سلطنتها و ریاسات و قوای حاکم و مسلط** می باشد (افسسیان ۱:۲۱ را مشاهده کنید). او بر تمامی ارواح شریر و قوای ابلیس تسلط دارد. او بر شیطان پیروز و مسلط است. خدای پدر او را در **همه چیز مقدم** ساخته است (آیه ۱۸)، یعنی اینکه او سر و سرور همه کس و همه چیز می باشد. عیسی مسیح حقیقتاً **رب الارباب و پادشاه پادشاهان است** (مکاشفه ۱۴:۱۷).

**۱۸ کلیسا** بدن عیسی مسیح است و او **بدن یعنی کلیسا را سر است** (افسسیان ۱:۲۲-۲۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید). هیچ کس نمی تواند بدون سر، زنده بماند. اگر عضوی از بدن خود، مثلاً دست یا پا یا چشم خود را از دست بدهیم، زنده خواهیم ماند، ولی بدون سر، حیاتمان

پایان خواهد گرفت.

عیسی مسیح، نه تنها جهان را خلق کرده است، او همچنین «انسانیت جدید» و «جامعه جدید» یعنی کلیسا را آفریده است. اینک عیسی مسیح از طریق کلیسا، خود را به جهانیان می‌شناساند. هم اکنون عیسی مسیح قابل دیدن نمی‌باشد (زیرا که او به آسمان صعود نموده است)، ولی مردم می‌توانند کلیسا را ببینند. به وسیله شهادت کلیسا، جهان قادر خواهد بود که عیسی مسیح را ملاقات کرده به او ایمان آورند. ولی این امر مستلزم آن است که مردم این جهان قادر به دیدن مسیح در ما باشند. هدف ما در زندگی باید این باشد که به گونه‌ای زندگی و محبت کنیم که دیگران مسیح را در ما دیده، به او ایمان آورند. ما باید بگذاریم که مسیح در ما زندگی کرده، کنترل افکار و اعمال و سخنان ما را به دست بگیرد. آنگاه روح مقدس مسیح که در ما ساکن است، باعث خواهد شد که نور مسیح از وجود ما درخشیدن بگیرد. به عبارت دیگر، انسانها خدا را از طریق مسیح خواهند شناخت و از طریق ما، یعنی از طریق روح القدس که در ما زندگی می‌کند، مسیح را خواهند دید (اول قرتیان ۱۶:۳؛ غلاطیان ۲:۲۰؛ افسسیان ۲:۲۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

بیایید هم اکنون خودمان را تفتیش کنیم. آیا دیگران قادر به دیدن مسیح در ما می‌باشند؟ آیا مسیح به گونه‌ای مشهود در ما زندگی می‌کند؟ آیا مسیح سر ما است؟ آیا ما مثل مرغ سرکنده، بی‌هدف از این سو به آن سو می‌دویم؟ (اول یوحنا ۵:۱۲).

**مسیح نخست‌زاده از مردگان** است. خدا، عیسی مسیح را از میان مردگان برخیزانید. او همچنین همه ایمانداران حقیقی را از مردگان زنده خواهد نمود. تمام آنانی که به مسیح ایمان آورده‌اند، فرزندخوانده خدا شده‌اند و به عنوان عضوی از اعضای خانواده الهی برگزیده شده‌اند. و از آنجا که ما فرزندان خدا می‌باشیم، عیسی

مسیح برادر بزرگ ماست (رومیان ۸:۱۱، ۲۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۱۹** خدا تمامی قوت، ریاست، سلطنت و الوهیت خود را به عیسی مسیح بخشید (کولسیان ۲:۹-۱۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید). یعنی اینکه خدا **تمامی پوری** خود را به مسیح داده است. و اگر روح القدس در ما زیست کند، این **پوری** خدا در ما خواهد بود.

**۲۰** در این آیه می‌بینیم که هدف و انگیزه خدا جهت برتری دادن به مسیح چه بوده است (آیه ۱۸). هدف و مقصود خدا این بود که **به وساطت او (عیسی مسیح) همه چیز را با خود** (خدای پدر) **مصالحه دهد**.

به واسطه قربانی شدن بدن عیسی مسیح بر روی صلیب، خدا مجازات گناهان ما را بر عیسی مسیح بی‌گناه منتقل ساخت. بنابراین، ما که به عیسی مسیح ایمان آورده‌ایم، دیگر به خاطر گناهان خود مجازات نخواهیم شد. مسیح با قربانی کردن خود، بهای گناهان ما را پرداخت نموده است و ما را بخشیده است (افسسیان ۷:۱؛ کولسیان ۱:۱۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید). نه تنها گناهان ما شسته شده است، بلکه ما با خدا **مصالحه** داده شده‌ایم. اینک بین ما و خدا به واسطه قربانی مسیح، **سلامتی** پدید آمده است. با توجه به آنچه گفته شد، دو جنبه مهم از نجات خود را مشاهده می‌کنیم: ابتدا، به وسیله خونبهای مسیح، بخشش گناهان را دریافت کرده‌ایم؛ و سپس عیسی مسیح بوسیله کار عظیم خود، میان ما و خدا صلح و آشتی برقرار نموده است. هر دو جنبه نجات ما، یعنی بخشش گناهان و مصالحه با خدا، به وسیله **خون صلیب وی** میسر شده است (رومیان ۵:۹-۱۱؛ افسسیان ۲:۱۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

پولس خاطر نشان می‌کند که هدف اصلی خدا از صلیب عیسی و پرداخت خونبهای گناهان ما این بود که **همه چیز را با خود مصالحه دهد**. این مصالحه دادن همه چیز به چه

معناست؟ آیا شیطان و ارواح شریر نیز با مسیح مصالحه کرده‌اند؟ نه! این سخن بدان معنی نیست. منظور پولس این است که اینک بار دیگر، تمامی خلقت تحت خداوندی مسیح و زیر سلطه مسیح قرار گرفته است. و به این ترتیب، شیطان و ارواح شریر او نیز با دریافت محکومیتشان یعنی آتش ابدی جهنم، تحت انقیاد و سلطه عیسی مسیح قرار گرفته‌اند (افسسیان ۱: ۲۲).

**۲۱** تمامی بشریت اجنبی و دشمن خدا بودند. انسانها، سخت خودخواه و گناهکار و بی‌ایمانند، و این امر آنها را به طور طبیعی از خدا دور ساخته با خدا دشمن می‌سازد. بعضی از مردم گمان می‌کنند که انسانها ذاتاً خوب و بی‌گناه می‌باشند. پولس با این باور مخالفت می‌ورزد و می‌گوید که پیش از ایمان به عیسی مسیح از تبت دل در اعمال بد خویش اجنبی و دشمن بودید.

**۲۲** ولی اینک به خاطر مرگ مسیح بر روی صلیب، ما بخشایش گناهان را دریافت کرده‌ایم. عیسی مسیح با صلیب خود ما را در حضور خود مقدس و بی‌عیب و بی‌ملامت حاضر ساخته است. او ما را از مجازاتی که مستحقش بودیم نجات داده است. هم‌اکنون، به طور کامل با خدای پدر مصالحه داده شده‌ایم (افسسیان ۲: ۱۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۲۳** آیا امکان دارد که پس از دریافت نجات، آن را از کف بدهیم؟ در این آیه، پولس رسول ظاهراً می‌گوید که اگر از ایمان داشتن دست برداریم، نجاتمان را از کف خواهیم داد. پولس برای نجات ما یک شرط قایل می‌شود: **به شرطی که در ایمان بنیاد نهاده و قایم بمانید و جنبش نخورید از امید انجیل که در آن تعلیم یافته‌اید.** اگر در ایمان ثابت نمایم، موت عیسی برای ما هیچ منفعتی نخواهد داشت. ما به وسیله ایمان نجات یافته‌ایم (افسسیان ۲: ۸)؛ لذا اگر ایمان را ترک کنیم، ما نجات خود را ترک

نموده‌ایم.

ولی بسیاری از مسیحیان معتقدند که پس از دریافت نجات، غیرممکن است که نجات خویش را از کف داد. این گروه از مسیحیان، به سخن عیسی مسیح که فرمود: **من به آنها حیات جاودانی می‌دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچ کس آنها را از دست من نخواهد گرفت،** (یوحنا ۱۰: ۲۸) استناد می‌کند. از سوی دیگر مخالفین این نظریه می‌گویند که درست است که **هیچ کس آنها را از دست عیسی نخواهد ربود** ولی، خود ما قادر هستیم که از محیط ایمان بیرون رفته ایمان خود را ترک نمایم.<sup>۳</sup> در برابر تمام این سخنان مخالف و موافق، یک مطلب را با اطمینان می‌توان اظهار داشت که «اگر دست از ایمان داشتن برداریم، خویشتن را در موقعیت بسیار خطرناکی قرار خواهیم داد (لوقا ۹: ۶۲؛ دوم پطرس ۲: ۲۰-۲۲ و تفسیر آن و همچنین مقاله عمومی: «آیا ممکن است نجات خود را از دست بدهیم؟» را مشاهده کنید).

در این قسمت سؤال دیگر پیش می‌آید. بسیار پیش آمده است که شخصی در ابتدا از ایمانی محکم برخوردار می‌باشد ولی به تدریج ایمانش ضعیف می‌گردد و او از مسیح دور می‌شود. به تدریج کمتر و کمتر به کلیسا و جلسات دعا می‌آید و نحوه زندگیش بیشتر و بیشتر از معیارهای مسیحی فاصله می‌گیرد. می‌گوید: «من ایمان دارم، من از ایمان خود دست نکشیده‌ام». ولی این چه نوع ایمانی است؟ ایمانی کاذب است. زیرا که ایمان حقیقی همیشه به انجام اعمال نیکو منجر خواهد شد.

۳- بعضی از مسیحیان می‌گویند آنهایی که دست از ایمان می‌کشند، از ابتدا واقعاً به مسیح ایمان نداشته‌اند. این نظریه ممکن است صحیح باشد ولی ما به هیچ وجه قادر به قضاوت در مورد این موضوع نیستیم. زیرا که فقط خدا قادر است که دل‌های ما را تفتیش کرده نیات باطنی ما را به درستی قضاوت کند.



فرا بگیریم. آن نکته از این قرار است: اگر طالب پیروی از مسیح و برکت رساندن به دیگران می‌باشیم، باید آمادهٔ رنج کشیدن برای او نیز باشیم. پولس به شاگرد خود تیموتائوس نوشت: **همه کسانی که می‌خواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند، زحمت خواهند کشید** (دوم تیموتائوس ۳:۱۲). آیا آمادهٔ رنج کشیدن برای مسیح می‌باشیم؟ نه فقط رنج کشی، آیا آمادهٔ شادی کردن در حین زحمات خود هستیم؟ شعار دادن آسان است. ممکن است که امروز به این سؤال پاسخ مثبت دهیم. ولی شادی کردن در موقع سختی و محبت کاری بسیار مشکل است. زیرا که ما نه تنها از جانب دشمنان و مخالفین خود رنج خواهیم کشید، بلکه در بسیاری موارد، از دوستان، اعضای کلیسا، برادران و خواهران روحانی ما نیز در زحمت خواهیم بود. و این دقیقاً همان تجربهٔ پولس رسول بود، او از سوی دوست و دشمن زحمت می‌دید، ولی با اینهمه در آن زحمات شادی می‌کرد (دوم تیموتائوس ۱:۱۵).

**۲۵** به منظور مقابله با تعلیمات غلط و تفرقه‌ای که در کلیسای کولسی پیش آمده بود، پولس رسول به ایمانداران کولسی یادآوری می‌کند که او رسول مسیح است و از قدرت و اختیار خاصی برخوردار می‌باشد. او می‌گوید که عیسی مسیح به او مأموریت خاص، موعظهٔ انجیل را محول نموده است. وظیفهٔ پولس این بود که انجیل عیسی مسیح را به هر جا برده و

اگر ایمان ما، ما را به انجام دادن کارهای خوب و ندارد، ایمانمان مُرده است! (یعقوب ۲:۱۴-۲۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**لذا در ایمان بنیاد نهاده، و قایم بمانید و جنبش نخورید از امید انجیل که در آن تعلیم یافته‌اید** (عبرانیان ۱۰:۲۳ را مشاهده کنید). امید ما در انجیل به کمال رسیده است. و این انجیل عیسی مسیح به تمامی خلقت زیر آسمان بدان موعظه شده است. یعنی اینکه، انجیل عیسی مسیح برای قوم و ملت خاصی نیست. پیام و مژدهٔ عیسی مسیح برای تمام انسانهای این عالم می‌باشد.

### زحمات پولس برای کلیسای مسیح (۱:۲۴-۲۹)

**۲۴** خادمین حقیقی خدا در زحمات خود در راه مسیح و کلیسا شادی می‌کنند (متی ۵:۱۱-۱۲؛ اعمال ۵:۴۱-۴۲؛ رومیان ۵:۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید). هر چند پولس در زندان بسر می‌برد، ولی او به هنگام نوشتن این رساله شادی می‌کند.

**هیچ نقصی در زحمات مسیح برای ما وجود ندارد.** او تمامی گناهان ما را بر دوش خود گرفت و به مرگ زجرآور خویش، بهای گناهان ما را پرداخت نموده است. مسیح به طور کامل و تمام زحمت کشید، ولی زحماتی که پولس برای مسیح می‌کشد هنوز به کمال نرسیده است. زحمات متعدد دیگری در انتظار پولس رسول قرار دارد.<sup>۴</sup>

پولس به جهت کلیسا (بدن مسیح) زحمات بسیاری را تحمل کرده بود (اول قرنتیان ۹:۴-۱۳؛ دوم قرنتیان ۱۱:۲۳-۲۸). هر چند پولس هرگز به طور شخصی با کلیسای کولسیان ملاقات نکرده بود (او از طریق اپفراس با آنها آشنایی داشت)، ولی او به خاطر آنها نیز در زحمت بود.

ما باید نکتهٔ مهم را از زندگی پولس رسول

۴- فرقی اساسی و اصلی میان زحمات ایمانداران و زحمات مسیح وجود دارد. زحمات و رنج مسیح برای نجات و آزادسازی ما بود. ولی رنجی که ما ایمانداران می‌بریم، برای پیشبرد کلام انجیل می‌باشد. زحمات ما هنوز کامل نشده است، زیرا که در این جهان هنوز بسیاری به انجیل عیسی مسیح ایمان نیاورده‌اند. در طول تاریخ مسیحیت، هر زمان که ایمانداران متحمل زحمت و رنج شده‌اند، انجیل پیشرفت کرده است.

فقط ما ایمانداران هستیم که در روز آخر، یعنی در روز داوری، به وسیله ایمان به صلیب، کامل در مسیح عیسی حاضر خواهیم شد.

**۲۹** پولس در این کار زحمات و مشقات بسیاری متحمل شده بود. ولی تلاش و تحمل او زاینده قدرت خودش نبود، بلکه او از نیروی عیسی مسیح کمک می‌گرفت. باشد که ما نیز مانند پولس، هیچ کاری را با تکیه بر قدرت خود انجام ندهیم. زیرا در آن صورت، کارهایمان برای خدا سودی به همراه نخواهد داشت. ما بدون قدرت مسیح قادر به انجام هیچ کار شایسته‌ای برای خدا نخواهیم بود (یوحنا ۵:۱۵) و تفسیر آن را مشاهده کنید). ولی برعکس، به وسیله قوت مسیح، قادر به انجام هر کاری خواهیم بود (فیلیپان ۴:۱۳).

## باب ۲

### زحمات پولس برای کولسیان (۲:۱-۵)

**۳-۱** پولس رسول هرگز مسیحیان کولسی و لاودیکیه<sup>۵</sup> را ملاقات نکرده بود، ولی با این حال، او برای ایشان زحمت و محنت می‌کشید. ایمانداران کولسی به طور مخصوصی در قلب او جای داشتند. پولس این نامه را طوری می‌نویسد گویی او شبان آنها است!

هدف پولس از نگارش این نامه این است که دل‌های ایمانداران کولسی تسلی یابد و ایشان در محبت پیوند شده به دولت یقین فهم تمام و به معرفت سر خدا برسند (آیه ۲).

چکیده مسیحیت عبارت است از تجربه کردن و شناختن عیسی مسیح. ما مسیحیان، پیرو دین مسیح نیستیم، بلکه پیرو یک شخص

۵- لاودیکیه حدود بیست کیلومتری کولسی واقع شده بود. پولس می‌خواست این نامه در کلیسای لاودیکیه نیز قرائت شود (کولسیان ۴:۱۵-۱۱۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

اشتباهات کلیساها را اصلاح نماید. لذا هر چه که پولس می‌نویسد، کاملاً صحیح و قابل اعتماد است، پس بر کولسیان و ما لازم است که سخنان پولس را با گوش دل شنیده آنها را اطاعت کنیم (افسیسیان ۳:۷؛ دوم تیموتائوس ۱:۱۱).

**۲۶-۲۷** از جهتی، کلام خدا سرّ (راز) است، زیرا که بسیاری از مردم، قادر به تشخیص معنای آن نمی‌باشند. ولی این راز **الحال به مقدسان او مکشوف** شده است. روح القدس به هر کسی که به عیسی مسیح ایمان آورد و قلب خود را برای شنیدن و پذیرش و اطاعت کلام مسیح باز نماید، قدرت درک کلام خدا را خواهد بخشید.

پولس رسول در نامه دیگری، به طور واضح این سرّ را بیان کرده است: **یعنی اینک خدا در مسیح بود و جهان را با خود مصالحه می‌داد و خطایای ایشان را بدیشان محسوب نداشت و کلام مصالحه را به ما سپرد** (دوم قرنتیان ۵:۱۹). و اینک، به واسطه روح القدس که در ما زندگی می‌کند، ما با خدا و با یکدیگر مصالحه می‌کنیم. و این همان خبر خوش و **امید جلال** ماست (آیه ۲۷). این امید جلال خدا، برای همه انسانها فراهم شده است، چه یهودی و چه **امتهای** غیریهودی نظیر کولسیان به این امید جلال دعوت شده‌اند (افسیسیان ۳:۸-۹).

**۲۸** در اینجا موضوع اصلی موعظه پولس را مشاهده می‌کنیم: عیسی مسیح. پولس می‌گوید: **ما او (عیسی مسیح) را اعلان می‌نماییم.** پولس در ادامه، هدف و انگیزه خود از موعظه کردن و بشارت دادن و هر گونه خدمت مسیحی، با این کلمات بیان می‌کند: **هر شخص را تنبیه می‌کنیم و هر کس را به هر حکمت تعلیم می‌دهیم تا هر کس را کامل در مسیح عیسی حاضر سازیم.** در اینجا، کلمه «هر کس» و «هر شخص» را باید به عنوان «هر شخص ایماندار» درک نمود. زیرا ممکن نیست که شخصی را که به عیسی مسیح ایمان نداشته باشد **کامل در مسیح عیسی حاضر** نمود.

روح پیش آن فرد حضور داریم و حتی اگر او را ملاقات هم نکرده باشیم، باز در روح پیش او هستیم.

### پُری حیات در مسیح (۲:۶-۲۳)

۶-۷ پس چنانکه مسیح عیسی خداوند را پذیرفتید در وی رفتار نمایید. همان طور که مسیح را به ایمان پذیرفتید، به همین گونه نیز، با ایمان در او رفتار نمایید.

آیا روزی را که به عیسی مسیح ایمان آوردید، به خاطر دارید؟ آیا عشق اولیه خود را بیاد می آورید؟ آیا به خاطر می آورید آن روزی که قلب خود را به مسیح سپردید و مملو از شور و هیجان و شادی بودید؟ پولس می گوید اینگونه زندگی کنید! می گوید: همانطور که مسیح را یافتید، و همانگونه که او را پذیرفتید، امروز هم به همان شکل زندگی کنید.

ما باید به زندگی کردن در مسیح ادامه داده، در او ریشه کرده و بنا شویم (آیه ۷). عیسی مسیح تاک است و ما شاخه های او. اگر از او جدا شده، بخوایم بدون او زندگی کنیم، خشک خواهیم شد و خواهیم پژمرد (یوحنا ۴:۱۵-۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

مانند زمین سنگلاخی نباشیم، که تخم کلام خدا در آن زود جوانه زد ولی چون ریشه نداشت، به زودی خشک گردید (مرقس ۴:۵-۶، ۱۶-۱۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید). مانند زمین خارزار نباشیم که تخم کلام در آن رشد کرد ولی به وسیله خارها و اندیشه های دنیوی و غرور دولت و هوس چیزهای دیگر خفه گردید (مرقس ۴:۷، ۱۸-۱۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۸ در این آیه، پولس از دو نوع دانش و معرفت سخن می راند. اول آن دانشی است که از سوی مسیح می آید و دوم معرفتی که از دنیا و تفکرات انسانهای دنیوی سر چشمه می گیرد. دانش و معرفت دنیا و فلسفه این جهان در چهار

زنده، یعنی عیسی مسیح، می باشیم. ایمان ما پیروی از یک سیستم فلسفی و یا اجرای اعمال دینی خاصی نمی باشد. ایمان مسیحی ما، عبارت است از ایمان به عیسی مسیح. ما عیسی مسیح زنده را ملاقات کرده ایم و می شناسیم، با او صحبت می کنیم و با او مشارکت داریم. اگر عیسی مسیح را به طور شخصی نمی شناسیم، نمی توانیم ادعای مسیحیت کنیم.

ما عیسی را به وسیله ایمان می شناسیم. برای انسانی که ایمان نداشته باشد، عیسی مسیح سِرّ و مخفی، باقی خواهد ماند. ولی زمانی که مسیح را بشناسیم، سِرّ مسیح کشف خواهد گردید. به مجرد اینکه ایمان بیاوریم، روح عیسی مسیح (روح القدس) وارد زندگی ما خواهد شد. سپس به وسیله روح القدس، ما قادر خواهیم بود که یک ارتباط شخصی با عیسی مسیح برقرار نمایم.

زمانی که عیسی مسیح را شناختیم تمامی خزاین حکمت و علم مخفی (آیه ۳) بر ما آشکار خواهد شد. بنابراین، شناختن عیسی مسیح، یعنی شناختن هر آنچه که لازمه کسب نجات است.

۴ پولس می خواهد خوانندگان رساله اش مسیح را بشناسند و فریب معلمان کذب را نخورند. مگر تعلیم آن معلمین کذب چه بود که پولس را آنقدر نگران کرده بود؟ آنها می گفتند عیسی مسیح، پسر خدا نیست. می گفتند شناختن مسیح و داشتن رابطه زنده با او، به جهت کسب حکمت روحانی کافی نمی باشد. سخنان این معلمین دلاویز و اغواکننده بود. ولی حکمت آنها، فلسفه و مکر باطل این دنیا است و هیچ ربطی به خدا ندارد (آیه ۸).

۵ پولس خود را تا حدی به کولسیان نزدیک می داند که گویی خودش الان در کولسی و با آنها است! حقیقتاً، پولس در روح با آنها بود. به همین ترتیب، زمانی که ما شخصی را دوست می داریم، هر چند که میانمان فاصله باشد، در

حکمت بهره‌مند گردیم. و اگر از حکمت و خصوصیات الهی پُر شویم از هر نظر سیراب خواهیم بود. اینک این حالت پری از خدا را با زندگی افرادی که از خدا بی‌بهره‌اند مقایسه کنید، خواهید دید که زندگی خالی از خدا، چقدر پوچ و تو خالی است.

پولس بارها نوشته است که مسیح **سر**، ارباب، و خداوند است. مسیح، بالاتر از **تمامی ریاست و قدرت** است. او برتر از هر موجود و هر سازمان و هر قدرت و حکومتی می‌باشد (افسیان ۱: ۲۰-۲۲؛ فیلیپیان ۲: ۹-۱۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید). بسیاری از مردم به غلط گمان می‌کنند که عیسی مسیح، فردی معمولی بوده است. بعضی دیگر بر این باورند که او پیامبری از پیامبران خدا و یا یک رهبر مذهبی مانند بودا یا محمد می‌باشد. ولی پولس می‌گوید که عیسی بالاترین قدرت عالم و خود خداست. هیچ قدرتی بالاتر از مسیح وجود ندارد. همه چیز در زیر پای مسیح قرار گرفته است (افسیان ۱: ۲۲). او را نمی‌توان با هیچ کس و هیچ چیزی مقایسه کرد (مرقس ۸: ۲۷-۲۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۱۱ در وی (مسیح) مختون شده‌اید.** بر اساس آیین یهودیان، همه اطفال مذکر در روز هشتم ختنه می‌شدند. در زمان پولس رسول، ختنه، مهم‌ترین نشانه قومیت و ملیت یهودی یک فرد محسوب می‌گردید (پیدایش ۹: ۱۷-۱۴).

در اینجا، پولس از ختنه به عنوان مثالی جهت **بیرون کردن بدن جسمانی**<sup>۶</sup>، یا جسمانیت گناهکار<sup>۷</sup> استفاده می‌کند. **اختتاتان**

طرف ما دیده می‌شود. ولی در مقایسه با نور حکمت و دانش خدا، فلسفه و حکمت و دانش بشری بی‌فروغ است. پولس از این پا فراتر نهاده می‌گوید که فلسفه و حکمت جهانی که از خدا دور شده باشد **مکر باطل** است. متأسفانه افراد بسیاری هستند که این افکار و فلسفه‌های به ظاهر «مسیحی» را رواج می‌دهند، این گونه تعالیم غلط است. این افراد منکر می‌شوند که عیسی پسر خدا است، اینها منکر می‌شوند که عیسی مسیح، خدای قادر مطلق است که مجسم شد و در میان ما زندگی کرد. حتی مسیحیان واقعی نیز ممکن است گول سخنان فریبنده این معلمان دروغین را بخورند.

**۹** در این آیه، پولس به ما معنی تجسم کلمه و مجسم شدن خدا در عیسی مسیح را تعلیم می‌دهد. او می‌گوید: **در وی (مسیح) از جهت جسم، تمامی پُری الوهیت ساکن است.** عیسی، شبحی از خدا نیست. او مثال و نمونه‌ای از ذات خدا نمی‌باشد. او پیامبر و یا سفیر خدا نیست. او هیچ یک از اینها نبوده، بلکه او خود خداست. در او **تمامی پُری الوهیت ساکن است** (کولسیان ۱: ۱۹ را مشاهده کنید).

منظور از **پُری الوهیت** چیست؟ منظور تمامی جنبه‌ها و قوت و خصیصه‌ها و طبیعت خداست. در مسیح تمامی قابلیت‌ها و خصلتهای ذاتی خدا از قبیل: محبت، قوت، قدرت، علم، حکمت، قدوسیت و غیره، به طور مطلق و کامل، ساکن است. توجه کنید که پُری خدا در عیسی مسیح **ساکن است**. خدا در مسیح زندگی می‌کند و در او ساکن است و مسیح تجسم ذات خدا می‌باشد. مسیح خدای زنده است. او از ابتدا بوده و تا به ابد خواهد بود.

**۱۰** ما نیز به واسطه ایمان به عیسی مسیح قادر خواهیم بود که در این پُری شراکت جویم (افسیان ۳: ۱۹ را مشاهده کنید). به کمک روح القدس قادر خواهیم بود که از خدا پُر شویم و از صفات خدا مانند محبت و تقدس و

۶- در اینجا منظور از بدن جسمانی، همان طبیعت گناهکار و گناه‌آلود می‌باشد. جهت اطلاع بیشتر غلاطیان ۵: ۱۳، ۵: ۱۶-۱۷؛ ۲۴: ۵ و تفسیر آن آیات و در فهرست لغات: «جسم» را مشاهده کنید.

۷- به یک معنا، تا وقتی زنده‌ایم، نخواهیم

(یوحنا ۳:۵،۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید). پولس رسول می‌گوید که پس از آنکه به وسیلهٔ تعمید، با مسیح مُردیم و مدفون شدیم؛ **در آن هم برخیزانیده شده‌اید به ایمان بر عمل خدا.** ما به قدرت و عمل خدا که عیسی مسیح را برخیزانید، ایمان داریم. همان قوت و نیرویی که مسیح را از مُردگان برخیزانید، به ما زندگی جدید خواهد بخشید.

**۱۳** پیش از ایمان به مسیح ما از نظر روحانی مُرده بودیم. پولس به ما و کولسیان می‌گوید که شما در **خطایا و نامختونی جسم خود مرده بودید. نامختونی جسم** حالتی است که قبلاً در آن بسر می‌بردیم، ما نامختون و از مسیح بیرون بودیم. ولی به خاطر فیض خود، او ما را **زنده گردانید، چونکه همهٔ خطایای شما را آمرزید.** به وسیلهٔ فیض خدا و از طریق ایمان، زندگی نو و حیات جاودانی را دریافت نموده‌ایم (افسیسیان ۲:۱-۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۱۴** منظور پولس از **آن دستخطی** که بر **ضدّ ما** بود، شریعت یهود می‌باشد که در عهدعتیق آمده بود<sup>۸</sup>. براساس این شریعت، اگر کسی حتی

توانست بدن گناهکار و جسمانیت خود را کاملاً بیرون کنیم. بدون دخالت مستقیم روح القدس و کنترل کامل او، هرگز قادر به مهار ساختن امیال و آرزوهای جسمانی و گناه‌آلود خود نخواهیم بود.

ولی در عین حال، به وسیلهٔ قوت روح خدا، جسم و هوسهایش را بی‌زور و نیم جان خواهیم کرد، به کمک روح القدس قادر به مصلوب ساختن جسم می‌باشیم (غلاطیان ۵:۲۴). در اینجا نیز مقصود پولس از «بیرون کردن بدن جسمانی» همین است. منظور این است که با قدرت روح القدس، نیروی گناه کردن را از جسم گناهکار خود سلب کنیم.

۸- شریعت یهود در پنج کتاب اول عهدعتیق (پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه) آمده است. جهت مطالعهٔ بیشتر در فهرست لغات: «شریعت» را مشاهده کنید.

**مسیح** یا ختنهٔ روحانی شدن در مسیح، این است که مسیح، قلب ما را تصرف کرده، ناخالصیها و ناپاکیهای وجودمان را دور انداخته است. با ختنهٔ روحانی، قلب خود را مختون ساخته‌ایم (ارمیاء ۴:۴؛ رومیان ۲:۲۸-۲۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۱۲** ایمانداران نه تنها در مسیح مختون شده‌اند، بلکه پولس به ما می‌گوید: **وباوی در تعمید مدفون گشتید.** تعمید نشانهٔ شسته شدن و پاک‌گشتن از گناهان می‌باشد. در تعمید، پاکی و شسته شدن از گناهان را، با ایمان دریافت خواهیم نمود.

پس می‌بینیم که پولس با استفاده از دو تشبیه **ختنه** و **تعمید**، دو کار بزرگ روح القدس یعنی دور ساختن اعمال جسم و شسته شدن و پاک شدن از گناهان را توصیف می‌نماید. در مسیح، جسمانیت کهنهٔ ما دور انداخته شده است و گناهان سابق ما شسته گردیده و **مدفون** شده است.

در مضمون این آیه، تعمید دارای یک معنی دیگر نیز می‌باشد. تعمید نشانهٔ مُردن نسبت به راههای سابق و زندگی قبلی و انسانیت گذشته است. پولس به ایمانداران می‌گوید که شما با مسیح **در تعمید مدفون گشتید.** پس متوجه می‌شویم که به منظور وارد شدن در زندگی جدید مسیحی، نه تنها باید از گناهان خود شسته و پاک شویم، بلکه باید بمیریم! باید مرگ را تجربه کنیم. تنها در صورتی که انسانیت کهنهٔ ما در مسیح مدفون شود، قدرت خواهیم داشت که حیات جدید را از مسیح دریافت نماییم (رومیان ۶:۳-۸؛ غلاطیان ۲:۲۵؛ افسسیان ۴:۲۲-۲۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

در این آیات، معنی و مفهوم دقیق تغییر و تبدیل روحانی را مشاهده می‌کنیم. با توجه به این آیات، متوجه خواهیم شد که هیچ کس «مسیحی» به دنیا نمی‌آید. می‌بینیم که به جهت «مسیحی» شدن، باید ابتدا مُرد و از نو متولد شد

بخش می‌گردید. یکی قوانین اخلاقی (مثلاً ده فرمان و احکام اخلاقی دیگر) بود. بخش دوم شامل قوانین مربوط به نحوه پرستش و چگونگی برگزاری مراسم مذهبی می‌شد. این قوانین، چگونگی اجرای مراسم و آداب نجاست و طهارت، روش قربانی کردن حیوانات و طریقه تعیین هلال ماه و از این قبیل بود که بالغ بر صدها قانون کوچک و بزرگ می‌گردید (مرقس ۱:۷-۴؛ افسسیان ۲:۱۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

مسیح قوانین آداب پرستشی و مذهبی (قسمت دوم) را ملغی ساخت (آیه ۱۴). با این حال بعضی از ایمانداران کلیسای واقع در کولسی هنوز به پیروی از آن قوانین مذهبی اصرار می‌ورزیدند. آنها نه فقط خود آن قوانین باطل شده را اطاعت می‌نمودند، بلکه اعضای دیگر کلیسا و کسانی را که خود را ملزم به اطاعت از آن قوانین نمی‌دانستند ملامت کرده، ایشان را گناهکار تلقی می‌نمودند. بر اساس تفکر و تعلیم آنها، اگر کسی از تمام نکات شریعت یهود پیروی نکند، نجات نخواهد یافت.

پولس رسول در اینجا کولسیان را نصیحت کرده می‌گوید: به سخنان این افراد توجه نکنید! آنها تعلیم صحیح نمی‌دهند! انسان از طریق فیض خدا و توسط ایمان نجات پیدا می‌کند. مسیح این قوانین را ملغی اعلام کرده است. پیروی از این دستورات دیگر کسی را نجات نخواهد داد. **زیرا که اینها سایه چیزهای آینده است (آیه ۱۷)**. اینها سایه مسیح است. برای ما مسیحیان، فقط یک قانون و یک حکم و یک فرمان و یک شریعت وجود دارد و آن عیسی مسیح است.

در اینجا فرق اساسی و اصلی میان مسیحیت و ادیان دیگر را مشاهده می‌کنیم. ادیان دیگر، پُر از رسوم و قوانین مذهبی و مناسک مختلف می‌باشند. پیروان این ادیان

یکی از آن **فرائض** را زیر پا می‌نهد، مقصر و مجرم محسوب می‌گشت (یعقوب ۲:۱۰). شریعت، آن شخص را مجرم و محکوم می‌دانست بی‌آنکه قدرت بخشیدن او را داشته باشد.

ولی خدا به واسطه فیض عظیم خود و به خاطر محبت بی‌دریغ خویش، **آن دستخطی را که ضد ما ... بود، محو ساخت و آن را به صلیب خود میخ زده از میان برداشت**. به همان گونه که عیسی بر **صلیب** میخکوب شد، به همان شکل نیز آن دستخط و شریعت بر چوب صلیب میخکوب گردید و از میان برداشته و باطل شد. ولی شریعت باطل نمی‌شود مگر اینکه کسی بهای تخلفات را بپردازد. یک نفر باید مجازات گردد. و آن یک نفر، عیسی بود! عیسی مسیح، جریمه گناهان ما را پرداخت. او به جای ما مجازات تخلفات ما را پرداخت نمود و جریمه ما را از میان برداشت. به همین دلیل است که شریعت دیگر ما را محکوم نمی‌سازد، چونکه یک نفر به جای همه محکوم شده است (رومیان ۸:۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۱۵** با رستخیز مسیح از مُردگان، او **ریاسات و قوات را بیرون کرد** و آنها را خلع سلاح نمود. این ریاسات و قوات، همان شیطان و ارواح تحت نفوذ او است (افسسیان ۶:۱۲). ما یک روز اسیر و در بند آنها بودیم، ولی اینک چون مسیح **بر آنها ظفر یافته** است، ما آزاد گردیده‌ایم. زمانی که در اسارت آن نیروهای شریر به سر می‌بردیم، در واقع از لحاظ روحانی مُرده بودیم. ولی عیسی به وسیله صلیب و با مرگ خود، بر موت غالب شد (رومیان ۹:۶؛ دوم تیموتائوس ۱:۱۰). اینک با موت و رستخیز مسیح، ما که به او ایمان آورده‌ایم از مرگ روحانی نجات یافته‌ایم. به این ترتیب بود که مسیح آن قوات و ریاستها را **علانیه آشکار** ساخت و ماهیت مرگ‌آور و اسارت‌زای آنها را برملا نمود.

**۱۶-۱۷** شریعت یهودیان شامل دو

بی‌ارزش دیگر قرار دهیم. اگر این کار را بکنیم، خود را در معرض خطر از کف دادن نجات و جایزه خود، قرار خواهیم داد.

**۱۹** پولس می‌گوید که این معلمین (آیه ۱۸)، **به سر متمسک نشده‌اند**، آنها از مسیح که سر کلیسا است، جدا گردیده‌اند. نتیجه این جدا شدن از مسیح این شده است که **از ذهن جسمانی خود مغرور** شده‌اند (آیه ۱۸). این گونه افراد کلیسا را در معرض خطر جدی و مهلکی قرار خواهند داد. کلیسا مانند یک بدن می‌باشد و به همین جهت لازم است که تمامی اعضای کلیسا، زیر نظر و تحت فرمان سر (مسیح) باشند. زیرا در غیر آن صورت، در کار و نظام بدن اختلال ایجاد خواهد شد و بدن **نَمُو** نخواهد کرد (افسسیان ۴: ۱۵-۱۶)

**۲۰-۲۱** در زمان نگارش عهد جدید، رسم برده‌داری رواج فراوان داشت. بردگان جزء مایملک صاحبان خود محسوب می‌شدند و از خود هیچ اختیاری نداشتند. آنها کاملاً تحت امر صاحبان خود بودند و تا دم مرگ موظف بودند که ارباب خود را خدمت کنند. برای بسیاری از آنان، تنها راه رهایی از اسارت و بندگی، مرگ بود! یعنی اینکه فقط با مردن، از اسارت ارباب خود بیرون می‌آمدند.

در اینجا پولس رسول از مثال بردگان استفاده کرده به کولسیان می‌گوید: «**شما با مسیح از اصول دنیوی مُردید**» (آیه ۲۰)؛ بنابراین، اکنون نسبت به ارباب سابق خود شیطان، مُرده‌اید. شما از ملکوت شیطان و **اصول دنیوی** آزاد می‌باشید<sup>۹</sup> پس دیگر چرا خود را برده ابلیس می‌سازید؟ پولس به کولسیان یادآور می‌گردد که **چگونه است که مثل زندگان در دنیا بر شما فرائض نهاده می‌شود؟** چرا شما اینگونه به

معتقدند که با پیروی از دستورات دینی خود، قادر خواهند بود که به بهشت برسند. به بیانی دیگر، دستورات دینشان، راه رسیدن آنها به بهشت می‌باشد.

ولی در مسیحیت، آنچه که مهم است، عیسی مسیح می‌باشد و در مقایسه با پیروی از مسیح، احکام مذهبی و مراسم دینی اهمیت خود را از دست می‌دهند. مسیح راه ما به سوی پدر است (یوحنا ۱۴: ۶) و تفسیر آن را مشاهده کنید). هیچ کس با پیروی از شریعت به خدا نمی‌رسد، ولی به وسیله ایمان به مسیح، راه ما به سوی پدر هموار شده است. هیچ راه دیگری برای نجات یافتن، بجز ایمان به مسیح وجود ندارد (اعمال ۴: ۱۲).

**۱۸** بعضی از معلمین دروغین در کولسی می‌گفتند که به جهت نجات یافتن باید از مراحل خاصی گذر کرد و ریاضت کشید و خود را فروتن نمود و اعمال معینی را انجام داد. به علاوه، این معلمین می‌گفتند که **فرشتگان** به صورت متوسط میان انسان و خدا عمل می‌کنند و لذا بایستی آنها را نیز مورد پرستش و عبادت قرار داد. این معلمین ادعا می‌کردند که مکاشفات و حکمت خاصی از خدا دریافت کرده‌اند و اشخاصی را که از آن مکاشفات و نعمت‌ها محروم بودند خوار می‌شمردند.

ولی پولس می‌گوید که این تعالیم دروغ و اشتباه است. انسان از طریق **فروتنی و عبادت فرشتگان** و کسب تجربیات روحانی نجات نخواهد یافت و رضایت خدا را بدست نخواهد آورد. انسان فقط به وسیله ایمان به عیسی مسیح نجات خواهد یافت. فرشتگان قدرت میانجیگری میان خدا و انسان را ندارند. زیرا که در میان خدا و انسان یک متوسط بیشتر نیست و آن عیسی مسیح می‌باشد (اول تیموتائوس ۲: ۵)؛ اول یوحنا ۲: ۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید). ما نباید گمراه شویم و ایمان خود را از مسیح برداریم و اعتماد خود را بر روی چیزهای

۹- شیطان «رئیس این جهان است» (یوحنا ۱۲: ۳۱). جهت مطالعه بیشتر، فهرست لغات: «شیطان» را مشاهده کنید.

داشت؛ برعکس همه اینها... بر حسب تقالید و تعالیم مردم است (آیه ۲۲).

وانگهی، این کارها هیچ فایده‌ای برای رفع تن‌پروری ندارد. این ریاضت‌کشی‌ها و فروتنی‌ها و آزار بدن، قدرت مهار ساختن و کنترل امیال و هوسهای جسمانی را ندارند. این اعمال به هیچ عنوان کسی را نجات نخواهند داد. اگر به قدرت و ریاضت‌کشی و عبادت و زحمت و سختی خود تکیه کنیم، یا پس از مدتی از تلاش دل‌سرد گشته، از دینداری دست خواهیم کشید و یا دچار غرور روحانی خواهیم گردید. در هر صورت، زحمات و مشقات و کوشش ما به جهت نجات ما ثمری در بر نخواهد داشت. تنها به وسیله اتکا به مسیح و عدالت و پاکی او خواهیم توانست که بر امیال و عادات و جسمانیت خود غلبه پیدا کنیم و تنها به وسیله اوست که نجات خواهیم یافت.

### باب ۳

#### اصول زندگی مقدس (۱۷-۱:۳)

۱ رستاخیز مسیح از مردگان رویدادی بی‌نظیر و استثنایی بود. ولی قیام و رستاخیز ما ایمانداران نیز به همان اندازه بی‌نظیر می‌باشد (رومیان ۸:۶؛ کولسیان ۲:۱۲). و اینک که **بما مسیح برخیزانیده** شده‌ایم، حیات جدید را از مسیح دریافت کرده‌ایم، حیاتی که هرگز از بین نخواهد رفت. به وسیله ایمان به مسیح، از موت به حیات، از ظلمت به نور و از ملکوت ابلیس به ملکوت خدا منتقل گردیده‌ایم. به این دلیل است که پولس در این آیه می‌گوید: **پس چون با مسیح برخیزانیده شدید، آنچه را که در بالا است بطلبید.** پولس می‌گوید: ملکوت خدا را بطلبید **در آنجایی که مسیح است.** بیاید محبت خود را بر چیزهای این جهان و افکار دنیوی و اهداف فانی، متمرکز نماییم. چرا که هر چه بیشتر این جهان را محبت کنیم، دلمان از ملکوت آسمان دورتر خواهد افتاد. غیرممکن است که خدا و

ریاست شیطان و هوسهای شیطانی و اصول شیطانی گردن می‌نهد؟ (رومیان ۶:۶-۷؛ ۷:۴-۷؛ ۸:۱-۲؛ غلاطیان ۴:۸-۱۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

بسیاری از مردم حتی پس از ایمان به عیسی مسیح، حاضر به ترک نمودن راههای زندگی سابق و فرایض دینی سابق خود نیستند. آنها می‌گویند به عیسی مسیح ایمان دارند ولی راههای گذشته خود را ترک نمی‌کنند. ولی آیا ممکن است که هم به مسیح ایمان داشت و هم از دین گذشته خویش پیروی کرد؟ پس از آنکه پیرو مسیح شدیم، باید **اصول دنیوی** را کنار بگذاریم. یعنی اینکه باید از تکیه کردن به دین گذشته و راهها و خرافات مذهبی سابق خود به منظور راه یافتن به ملکوت خدا، دست بکشیم. **۲۲** اصول مذهبی ادیان دیگر، به مسائل دنیوی و فانی و گذرا از قبیل خوردنی و آشامیدنی مربوط می‌شود. و هیچ یک از این اصول و مراسم و فرایض، ماندنی و باقی نیستند. تنها کلام خداست که جاویدان و پایدار می‌باشد.

رهبران مذهبی یهود، عیسی و شاگردانش را ملامت می‌کردند و آنها را به خاطر عدم پیروی از نکات دینی یهودیان، مورد نکوهش قرار می‌دادند. ولی عیسی به آنها فرمود: **حکم خدا را نیکو باطل ساخته‌اید تا تقلید خود را محکم بدارید** (مرقس ۷:۸).

**۲۳** زمانی که به زندگی انسانهای مذهبی و متدین و زاهد و تارک دنیا و ریاضت‌کش نگاه می‌کنیم، ممکن است با خود بگوییم: «چقدر این شخص خداپرست است!». ممکن است که با مشاهده زحمت و سختی و ریاضت این افراد، پیش خود بگوییم که «اینها چقدر روحانی و به خدا نزدیک شده‌اند!». ولی این افراد، ممکن است که فقط در ظاهر خداپرست و متقی باشند. این اعمال **صورت حکمت دارد.** ولی در باطن رضایت و نزدیکی خدا را به همراه نخواهد



دنیا را با هم محبت کرد (متی ۱۹:۶-۲۴، ۲۱؛ اول یوحنا ۱۷-۱۵:۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۲ پس از دریافت حیات جدید توسط عیسی مسیح، اینک باید خود را برای پذیرش فکری تازه مهیا کنیم. ما نباید مانند ایام پیش از ایمانمان تعقل و تفکر کنیم. بلکه لازم است که **در آنچه بالا است تفکر** نماییم. آن زمان که به این جهان و ملکوت ظلمت متعلق بودیم، به طریق این جهان و مطابق طبیعت کهنه خود رفتار می‌کردیم. ولی اینک، که توسط روح القدس از مرگ روحانی خود برخیزانیده شده‌ایم و حیات جدید را دریافت نموده‌ایم، لازم است که مطابق زندگی جدیدمان رفتار نماییم (غلاطیان ۵:۲۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۳ آیا شخص مُرده هیچ میل و نیازی دارد؟ آیا او عطش و هوس در دل دارد؟ البته که نه! ما نیز باید خود را نسبت به این دنیا مُرده انگاریم و عطش و هوس و میل و نیازی، به دل خود راه ندهیم. ما نسبت به این دنیا مُرده‌ایم، پس باید افکار و تمایلات خود را به عالم بالا متوجه کنیم. زندگی سابق و گناه‌آلود ما تمام شده است. اینک حیاتی نو و فکری نو در ما پدیدار گشته است. پولس می‌گوید: **زیرا مردید و زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است.**

پولس می‌گوید که زندگی روحانی ما اکنون مخفی می‌باشد. علت این است که شخص دنیوی<sup>۱</sup> قادر به درک و دیدن مسائل روحانی نیست. افراد دنیوی قدرت دیدن مسیح را ندارند. آنها قادر به مشاهده زندگی روحانی ما نمی‌باشند. ولی در عین حال، همه افراد (چه روحانی و دنیوی) قدرت دیدن و تشخیص خوبی و نیکویی و محبت ما را خواهند داشت. پس، گو اینکه ایشان توان مشاهده زندگی روحانی ما را ندارند، ولی می‌توانند اعمال نیکوی ما، خوشی و محبت ما را ببینند.

انسانهای دنیوی قدرت مشاهده مسیح را

ندارند، ولی ما که از روح القدس پُر گشته‌ایم، این قدرت را داریم (یوحنا ۱۴:۱۹-۲۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۴ در حال حاضر، مسیح از دیدگان ما مخفی است، ولی روزی خواهد رسید که او خود را به همه عالم مشهود خواهد کرد (مرقس ۱۳:۲۶؛ ۱۴:۶۱-۶۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید). و در آن روز ما **هم با وی در جلال ظاهر** خواهیم شد. پس از آن، هیچ چیز دیگر مخفی نخواهد ماند (رومیان ۸:۱۸-۱۹).

پولس اظهار می‌دارد که عیسی **زندگی ما است**. عیسی سرچشمه حیات می‌باشد. او هدف، نتیجه، برکت و مقصود ما از زیستن است. حیات ما در اوست و حیات عیسی در ماست.

اگر واقعاً عیسی زندگی ماست، پس بیایید قلب و ذهن و روان و اندیشه خود را به او داده، او را مرکز ثقل زندگی خود بسازیم. خداوند ما، حیات ابدی ما، میراث ما و خانه جاویدان ما، همه در آسمان است! پس بیایید **آنچه راکه در بالا است بطلبیم** (آیه ۱)؛ و **در آنچه بالا است تفکر** کنیم، نه در آنچه بر زمین است (آیه ۲).

۵ **پس اعضای خود راکه بر زمین است** **مقتول سازید**. یعنی امیال و هوسهای گناه‌آلود خود را از بین ببرید. ریشه گناه در قلب و در انسانیت گناهکار ما جا دارد. ولی این گناه در اعضای بدن ما به ثمر می‌رسد. پس پیش از هر چیز لازم است که انسانیت گناهکار و شریر خود را با همه هوسها و ناپاکیهایش «مقتول» سازیم (غلاطیان ۵:۲۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید). ولی در عین حال بایستی که اعضای جسم خود و هوسهای گناه را محدود و سرکوب و مغلوب بسازیم. باید آنها را بکشیم. عیسی مسیح فرمود: **پس هرگاه دستت تو را بلغزند آن را بپُر زیرا تو را**

۱۰- منظور کسی است که از خدا دور است و جهان

را دوست دارد، نه خدا را.

**بهتر است که شل داخل حیات شوی، از اینکه با دو دست وارد جهنم گردی** (مرقس ۹:۴۳). پس، در اینجا منظور پولس رسول این است که بایستی اعضای جسم خود را مقتول کنیم و برای گناه مُرده انگاریم.

روزگاری اعضای بدن ما (دست و پا و چشم و زبان ما) اعمال شرارت را به جا می‌آوردند و در خدمت شیطان بودند. ولی اینک ما از این جهان به ملکوت خدا منتقل شده‌ایم. **انسانیت کهنه** (آیه ۹) با مسیح مُرده است (رومیان ۶:۶؛ افسسیان ۲:۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید). بنابراین، اگر انسانیت کهنه کشته شود، هوسها و امیال گناه‌آلود جسم گناه نیز خواهد مُرد (مرقس ۹:۴۳-۴۷؛ رومیان ۶:۱۱-۱۳؛ ۸:۱۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

پولس خاطر نشان می‌کند که **طمع** در حقیقت **بت پرستی است**. زیرا اگر به چیزی طمع داشته باشیم، در واقع آن شیئی یا موقعیت را بیشتر از خدا مورد محبت قرار داده‌ایم. و هرگاه چیزی را بیشتر از خدا محبت کنیم، آن چیز خود به خود مبدل به بُت خواهد گردید (افسسیان ۵:۵).

در اینجا سوالی پیش می‌آید: پولس رسول در آیه ۳ گفت: **زیرا شما مُردید** ولی در این آیه می‌گوید: **اعضای خود را که بر زمین است مقتول سازید**. اگر انسانیت کهنه ما مُرده است، دیگر چه لزومی دارد که اعضای خود را «مقتول» نمایم؟ چرا پولس به ما می‌گوید که انسانیت مُرده خود را بکشیم؟ در آیه ۳، انسانیتمان مرده بود ولی در آیه ۵ زنده است و انواع گناهان را مرتکب می‌گردد! چگونه این امر ممکن است که جسم ما مرده باشد ولی در عین حال زنده و سالم، ما را به انواع گناهان بکشاند؟

بلی، هر دو حالت ممکن است و واقعیت دارد. انسانیت کهنه ما مرده است؛ ما نجات یافته‌ایم و از سوی مسیح بخشایش گناهان را دریافت نموده‌ایم، دست قدرتمند مسیح، ما را

از ملکوت شیطان رها کرده، به پادشاهی خدا وارد نموده است. ولی در ضمن بدن جسمانی ما هنوز زنده می‌باشد و تا زمانی که در این جهان زنده‌ایم، جسمانیت ما همراهمان خواهد بود. بنابراین، بعضی اوقات در گناه خواهیم افتاد. وسوسه‌ها به سراغمان خواهند آمد. ابلیس دائماً در پی وسوسه کردن و کشاندن ما به سوی گناه است. خلاصه اینکه ما در جنگی روحانی به سر می‌بریم. به یک معنا، ما در آن واحد در دو عالم به سر می‌بریم و در کشمکش میان دو جهان درگیر می‌باشیم. از یک سو متعلق به ملکوت خدا هستیم ولی از سوی دیگر در جسم و در ملکوت شیطان<sup>۱۱</sup> گرفتار می‌باشیم. از نقطه نظر جسمانی، ما جزئی از این دنیا می‌باشیم. ولی نکته مهم این است که از نقطه نظر روحانی، ما ایمانداران، در مسیح زندگی می‌کنیم. ما به انسانی جدید تبدیل شده‌ایم و تبعه مُلک آسمانی خدا، یعنی ملکوت خدا هستیم. خدا ما را به فرزندی خود در آورده است.

پس اگر که ما واقعاً اتباع مملکت سماوی و افراد کشور روحانی خداوند هستیم، باید مطابق اتباع آن کشور و فرزندان خدا رفتار کنیم. در این شرایط، شیطان همیشه در پی وسوسه کردن و گرفتار ساختن ما خواهد بود، او سعی خواهد کرد که ما را به گناه ترغیب سازد تا اینکه ما اعضای خود را به شرارت تسلیم سازیم. ولی ما باید بجای اطاعت از ابلیس، از خدا اطاعت نموده، در مقابل شیطان مقاومت کنیم (یعقوب

۱۱- عبارت «ملکوت شیطان» دارای دو معنی متفاوت، ولی نزدیک به هم، می‌باشد. اولین معنی این است که ملکوت شیطان به مفهوم قدرت و سلطنت شیطان بر اراده و افکار انسانهای گناهکار می‌باشد. معنی دوم ملکوت ابلیس، همان جهان غرق در گناه است که شیطان را به عنوان رهبر و رئیس خود انتخاب کرده و حاضر به گردن نهادن به فرمانفرمایی خدا نمی‌باشد.

شده ایم و آن را از خود بیرون نموده ایم، باید اعمال آن را نیز ترک کنیم.

۱۰ انسانیت کهنه ما با مسیح مرده است. اینک ما از نو متولد گردیده ایم و به افراد جدیدی تبدیل شده ایم (دوم قرن تیان ۵: ۱۷؛ افسسیان ۴: ۲۲-۲۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید). اینک انسانیت جدید ما به صورت خالق خویش تا به معرفت کامل، تازه می شود. ما به صورت خالق خود خدا و عیسی مسیح، مبدل خواهیم شد.

همانند رساله به افسسیان، پولس در این رساله نیز کارهای روزانه ما را به جامه ای تشبیه می کند. همانطور که لباس کهنه و کثیف را باید از تن بیرون کرده، جامه نو و تمیز را پوشید، به همین گونه نیز لازم است که اعمال کهنه و گناه آلود را از زندگی روزمره خود بیرون نموده، اعمال تازه و مقدس را پیشه نماییم. طریقه زندگی ما باید مطابق نمونه عیسی مسیح باشد. به عبارت دیگر، باید مسیح را در بر بگیریم (رومیان ۱۳: ۱۴؛ غلاطیان ۳: ۲۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید). زمانی که دیگران به زندگی ما نگاه می کنند باید قادر به مشاهده مسیح باشند.

انسانیت جدید ما تا به معرفت کامل تازه می شود. انسان نو، نه تنها لباسی نو و تمیز به تن کرده است بلکه صاحب فکری نو و معرفتی تازه نیز می باشد. پس از ایمان به مسیح و تولد تازه، دیگر مانند سابق تفکر و تعقل نخواهیم نمود، مسیح اعمال ظاهری و کارهای زندگی روزمره و طرز تفکر و شیوه نگرش باطنی ما را تغییر خواهد داد. زمانی که مسیح را در بر گرفتیم، اعمال و افکار مسیح را نیز در بر خواهیم نمود (رومیان ۱۲: ۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۱ پس از به تن نمودن انسانیت تازه در مسیح (اعمال و افکار تازه شده به وسیله مسیح)، ما ایمانداران شبیه یکدیگر خواهیم شد. ما به شباهت عیسی مسیح در خواهیم آمد، زیرا که عیسی مسیح لباسی است که به تن

۷: ۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید). ما فرزندان خدا هستیم و فرزندان خدا باید طبیعت پدر آسمانی را منعکس نمایند.

شاید این داستان یکی از پادشاهان انگلیسی موضوع را روشن تر کند. نقل می کنند که او پسر جوانی داشت که وقت خود را با دوستان ناباب و عیاش تلف می کرد و با این کارش باعث ریختن آبروی خانوادگی می گردید. تا اینکه یک روز، پدرش او را احضار نمود و فقط یک جمله به او گفت: «بیاد داشته باش که فرزند چه کسی هستی!»

به همین ترتیب، ما که فرزندان خدا هستیم، باید به یاد داشته باشیم که فرزند چه کسی هستیم. ما فرزندان شاه شاهان و خدای قادر مطلقیم. آیا مانند فرزندان خدا رفتار می کنیم؟

۶ که به سبب اینها غضب خدا بر اینای معصیت وارد می آید. خدا محبت است (اول یوحنا ۴: ۸). محبت خدا آنقدر عظیم است که او پسر یگانه خود را بر صلیب برای ما فدا نمود (یوحنا ۳: ۱۶). این حقیقت مهم در ذهن ما مسیحیان جا گرفته است. ولی در عین حال نباید غضب خدا را از خاطر دور داشت. غضب خدا بر تمامی کسانی که از او اطاعت نمی کنند و به پسر یگانه او ایمان نمی آورند وارد می آید (افسسیان ۵: ۶). خدا، تمامی مخالفین و عصیان کنندگان را مجازات خواهد نمود.

۷ ما نیز زمانی در غضب به سر می بردیم و به واسطه گناهان مذکور در آیه ۵، از خدا دور بودیم (افسسیان ۲: ۱-۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۸-۹ لیکن الحال شما همه را ترک کنید (آیه ۸)، چرا؟ چونکه انسانیت کهنه را با اعمالش از خود بیرون کرده اید (آیه ۹). براساس تعلیم آیه ۸، ما موظفیم که اعمال انسانیت قدیمی خود را دور بریزیم. ولی در آیه ۹ می خوانیم که هم اکنون انسانیت کهنه را بیرون کرده ایم. منظور پولس این است که چون از انسانیت کهنه آزاد

نموده‌ایم! پیشتر، به لحاظ انسانیت کهنه خود، دچار تفرقه و چند دستگی بودیم. پیش از ایمان به مسیح، یکدیگر را به طبقات و گروه‌های مختلفی از قبیل تحصیل کرده و بی‌سواد، ثروتمند و فقیر، مرد و زن، و غیره تقسیم می‌کردیم. ولی اینک همه مادر مسیح یکسان و مساوی می‌باشیم (غلاطیان ۳: ۲۶-۲۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

چه عظیم است این اتحاد ما با مسیح! در قرن اول میلادی طبقات و گروه‌های قومی و اجتماعی مختلفی وجود داشتند و نظام طبقاتی بر جامعه آن زمان حاکم بود. افراد طبقات مختلف، نسبت به یکدیگر تبعیض قائل می‌شدند و اختلاف عمیقی میان آنها وجود داشت. یهودیان، خود را اهل **ختنه** می‌دانستند و با امتهای **(نامختوانان)** معاشرت نمی‌کردند. **یونانیان** خود را متمدن قلمداد می‌کردند و **بربری**<sup>۱۲</sup> و **سکیتی**<sup>۱۳</sup> را از خود پست‌تر می‌شمردند. در روابط میان این گروه‌ها دشمنی و تیرگی وجود داشت. چگونه ممکن است که این افراد با این همه دشمنی و اختلاف، با یکدیگر در صلح و یگانگی بسر برند؟ چگونه ممکن است که آنها به یک خانواده و یک بدن مبدل گردند؟ آیا امکان رفع این جدایی‌ها وجود دارد؟ بلی این امکان وجود دارد. ولی فقط به وسیله مسیح است که این اختلافات برچیده خواهد شد و عیسی مسیح تنها کسی است که قدرت دارد که ریشه این جدایی‌ها را از بیخ و بُن خشک نماید. **مسیح همه و در همه است.** به خاطر اینکه مسیح در همه است، اتحاد ایجاد خواهد گردید. مادر مسیح هستیم و مسیح در ماست. و به همین خاطر است که ما قادریم که در مسیح متحد و یکپارچه باشیم (غلاطیان ۳: ۲۸).

ولی هر چند که مادر مسیح یکی هستیم و اختلافات ما برچیده شده است و مسیح ریشه دشمنی و جدایی میان ما را خشک نموده است

و ما اکنون اعضای یک خانواده روحانی می‌باشیم، ولی این بدان معنا نیست که باید کاملاً به یکدیگر شبیه باشیم. خداوند به هر کدام از ما هدایا و قابلیت‌های متفاوتی داده است. او به هر یک از ما وظیفه و مسئولیت متفاوتی محول نموده است. از این گذشته، موقعیت زندگی و شغلی و جغرافیایی ما با یکدیگر متفاوت می‌باشد. در میان ما مسیحیان، عده‌ای ثروتمند هستند و عده‌ای دیگر فقیر؛ بعضی تحصیل کرده‌اند و برخی بی‌سواد؛ بعضی مذکر هستند و برخی مؤنث. هر چند اینها با یکدیگر متفاوتند، این تفاوت باعث جدایی و اختلاف و دشمنی نخواهد شد. هیچ کس نمی‌تواند خود را از دیگران بالاتر بشمارد. زیرا که از نقطه نظر روحانی، همه ما در کلیسا و در نزد خدا، دارای ارزشی یکسان می‌باشیم. همه مادر مسیح هستیم و اودر ماست و همه ما مساوی هستیم. حال لازم است از خود بپرسیم که اگر به کلیسای خود نگاه کنیم، چه خواهیم دید؟ آیا همه یکسان هستند؟ آیا جدایی و اختلاف در میان اعضای کلیسا وجود دارد؟ یا اینکه در قلب و روح ما یگانگی و اتحاد حاکم است؟

**۱۲** در آیه ۱۰، پولس گفت: «ما انسانیت تازه را پوشیده‌ایم» اینک در آیات ۱۲-۱۷، او به شرح انسانیت **تازه** می‌پردازد.

توجه کنید که قابلیت‌های این انسان جدید یعنی **رحمت و مهربانی و تواضع و تحمل و حلم**

۱۲- بربری، ترجمه تحت‌اللفظی کلمه یونانی است. تمامی افراد تحصیل کرده آن زمان، قادر به تکلم به زبان یونانی بودند، ولی افراد بی‌سواد و غیرمتمدن به زبان یونانی آشنایی نداشتند، لذا یونانیان، آنها (اغلب قومهای آفریقای شمالی) را با لقب تحقیرآمیز «بربری» خطاب می‌نمودند.

۱۳- سکیتیه نام سابق یکی از استانهای جنوب غربی روسیه کنونی است. سکیتی‌ها، اهالی استان سکیتیه می‌باشند.

باز زنیتم، در حقیقت خودمان را رنج می‌دهیم. اگر دیگران را نبخشیم، قلب خود را به جای آنکه مکان صلح و سلامتی خدا کرده باشیم، آن را جایگاه کینه و عداوت ساخته‌ایم. نه تنها این، بلکه اگر دیگران را نبخشیم، خدا نیز ما را نخواهد بخشید (متی ۶: ۱۲-۱۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

لحظه‌ای با خود فکر کنید. خدا چندین مرتبه شما را بخشیده است؟ آیا فکر می‌کنید که در آینده نیز به بخشایش خدا نیازی خواهید داشت؟ پس اگر می‌خواهید خدا شما را به دفعات متوالی ببخشد، شما نیز باید دیگران را بارها ببخشید (متی ۱۸: ۲۱-۲۲).

بیاید رحمت بیکران خدا را فراموش نکنیم. بیاید رحمتی را که از خدا دریافت داشته‌ایم به دیگران نیز هدیه کنیم. **با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آموزیده است** (افسیسیان ۴: ۳۲).

**۱۴ و بر این همه محبت را که کمربند کمال است پوشید.** محبت مانند طنابی است که همه را در جای خود محکم نگاه می‌دارد. به عبارتی دیگر، تمامی خصوصیات و فضایل مثبت (آیات ۱۲-۱۳) از **محبت** سرچشمه می‌گیرند. محبت بالاترین و اصلی‌ترین فضیلت خدا و مسیح است. تمامی فضایل و نکات مثبت از محبت جاری می‌گردند. محبت سرچشمه نیکویی و رحمت خداست. به همین دلیل است که دو فرمان بزرگ خدا این است که خداوند را با تمامی دل و تمامی جان و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت کنیم و همسایه خود را چون نفس خویش دوست بداریم (مرقس ۱۲: ۳۰-۳۱). از این دو فرمان، تمامی احکام دیگر خدا سرچشمه گرفته‌اند (رومیان ۱۳: ۹-۱۰؛ غلاطیان ۵: ۱۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۱۵** همانطور که محبت مانند طنابی، تمامی فضایل را با هم می‌بندد، صلح و سلامتی نیز

کاملاً با خصوصیات انسان کهنه که در آیه ۸ دیدیم، در تضاد می‌باشند. این توانایی‌های جدید، در واقع همان ثمرات روح القدس می‌باشند (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳). این خصوصیات جهت ایجاد و حفظ اتحاد، حیاتی و لازم بوده، جزئی از ساختار کلیسای سالم محسوب می‌شوند (افسیسیان ۲: ۴-۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

چرا لازم است که ما ایمانداران، این خصوصیات را به تن نماییم؟ علت این است که **ما برگزیدگان مقدس و محبوب خدا** می‌باشیم. خداوند ما را **پیش از بنیاد عالم برگزید تا در حضور او در محبت مقدس و بی‌عیب باشیم** (۱: ۴). پس بیاید مطابق نقشه و برگزیدگی خدا عمل نماییم.

**۱۳** هر یک از ما دارای خصوصیات و مسائلی هستیم که ممکن است باعث تحریک و ناراحتی دیگران بشود. آیا مایل هستیم که دیگران ما را تحمل کنند؟ آیا می‌خواهیم که دیگران ما را دوست بدارند و ما را بپذیرند؟ البته که جواب این سؤالات مثبت است. اگر این را می‌خواهیم، ما نیز باید راغب به تحمل کردن و پذیرفتن دیگران باشیم. ما باید بخواهیم که ضعفهای یکدیگر را تحمل کنیم (افسیسیان ۳: ۲-۴).

آیا دوست داریم که دیگران ما را ببخشند؟ البته که می‌خواهیم دیگران از ما کینه و ناراحتی در دل نداشته باشند. پس اگر بخشیده شدن خوب است، ما نیز باید دیگران را از صمیم قلب ببخشیم. بخشش زبانی کافی نیست. باید دیگران را از دل ببخشید. آیا پس از بخشیدن برادر یا خواهرمان، هنوز در دل خود از او دلخور هستیم؟ آیا کمی ناراحت و عصبانی هستیم؟ آیا پس از بخشیدن آن برادر، هنوز از دست او احساس رنجش می‌کنیم؟ اگر این طور است، هنوز او را از دل نبخشیده‌ایم!

زمانی که از بخشیدن دیگران طفره رفته سر

مانند رشته‌ای، اعضای کلیسا را در کنار یکدیگر نگاه خواهد داشت (افسسیان ۳:۴). هر جا که محبت باشد، سلامتی و صلح نیز خواهد بود. اگر در کلیسای ما سلامتی برقرار نباشد، این نشان می‌دهد که در میان اعضاء محبت وجود ندارد.

سلامتی، همچنین ما را از نگرانی و دلشوره محافظت می‌کند. سلامتی هدیه مسیح است به ما (یوحنا ۲۷:۱۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید). اگر سلامتی مسیح در دل‌های ما حاکم باشد، دلشوره، نگرانی و ترس از وجود ما رخت بر خواهد بست.

پولس در ادامه می‌گوید: **و شاکر باشید.** به خاطر چه چیزی شاکر باشیم؟ اصولاً چرا شکرگزاری اهمیت دارد؟ دلیل این است که خدا به ما محبت کرده است. دلیل شکرگزاری ما رحمت و الطاف بی‌حد خدا نسبت به ماست. او به ما فیض و محبت و سلامتی درونی و بخشش و نجات عطا کرده است. و بالاتر از همه اینها، او فرزند یگانه خود عیسی مسیح را به ما بخشیده است. او ما را **به هر برکت روحانی در جایهای آسمانی** مبارک گردانیده است (رومیان ۳:۸؛ افسسیان ۳:۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۱۶** انسان روحانی محتاج به غذای روحانی می‌باشد. خوراک روحانی ما ایمانداران چیست؟ ما به جهت رشد و تقویت روحانی، نیازمند به خوراکی و آشامیدنی روحانی هستیم و آن چیزی به جز **کلام مسیح** نیست. کلام مسیح، همان کلام خدا یعنی کتاب مقدس است. چگونه قادر خواهیم بود که کلام مسیح را در درون خود **ساکن** گردانیم؟ جواب این سوال ساده است، به وسیله خواندن و یادگیری روزانه کلام خدا (یوشع ۱:۸؛ مزمور ۲:۱). بوسیله مطالعه و یادگیری و دقت و تعمق در کلام خدا، قادر خواهیم بود یکدیگر را **به کمال حکمت ... تعلیم و نصیحت** کنیم.

در اینجا متوجه می‌شویم که جلسات پرستشی و مشارکتهای مسیحی چگونه باید باشد. نه تنها در جلسات خود باید یکدیگر را به اساس کلام مسیح، به طور حکیمانه نصیحت کنید و تعلیم دهید، بلکه باید در حضور خداوند شاد بوده **به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی و با فیض در دل‌های خود خدا را برابرید** (افسسیان ۵:۱۹-۲۰ را مشاهده کنید).

**۱۷** پولس به کلیسای کولسی می‌گوید و **آنچه کنید در قول و فعل، همه را به نام عیسی خداوند بکنید و خدای پدر را بوسیله او شکر کنید.** هر آنچه که انجام دهیم، در هر زمینه کاری و مشغولیات و غیره، هر کاری که می‌کنیم باید به نام عیسی مسیح باشد. هر چه انجام می‌دهیم و هر سخنی که از زبان ما خارج می‌شود، بایستی به نام عیسی مسیح باشد. این بدان معنی است که اگر همه کارها و سخنان ما به نام عیسی مسیح است، دیگر هیچ کلام ناشایستی به زبان نخواهیم آورد و هیچ کار ناپسندی انجام نخواهیم داد. تمام جنبه‌های زندگی ما به نام خداوندمان عیسی مسیح خواهد بود و او را جلال خواهد داد.

وقتی پولس می‌گوید هر کاری را باید به نام عیسی مسیح انجام دهید، منظورش این نیست که نام عیسی مسیح را مانند یک ورد و کلمه جادویی و به خاطر شانس و اقبال به کار بگیریم. بلکه منظور او این است که کارهای خود را به خاطر عیسی مسیح و تحت قدرت و توانایی عیسی مسیح و برای پیشبرد ملکوت او انجام دهیم.

به خاطر بیاوریم که همه ما ایمانداران، در این دنیا سفیران عیسی مسیح هستیم (دوم قرتیان ۵:۲۰). به خاطر این امر، ما از قدرت و اختیارات خاصی که او به ما داده است برخوردار می‌باشیم. عیسی به ما قدرت و اختیار کامل جهت انجام اراده‌اش داده است. هر سفیری موظف است وظایف خود را در نام پادشاه و یا

در زمان پولس رسول، غلامان از هیچ حق و دستمزدی برخوردار نبودند و هیچ گونه میراثی به آنها تعلق نمی‌گرفت. ولی پولس به آنها وعده میراثی عظیم در آسمان می‌دهد. به آنها مژده می‌دهد که خود خداوند میراث آسمانی ایشان خواهد بود.

در اینجا سوالی مطرح می‌گردد: «چرا پولس به طور علنی به مخالفت با رسم پلید برده‌داری برخاست؟» ما می‌توانیم مطمئن باشیم که او در دل خویش با رسم برده‌داری مخالف بوده است. ولی روش مسیحیت این نیست که جامعه را تغییر دهد، بلکه رویه انجیل این است که انسانها را دستخوش تبدیل سازد و سپس خود انسانها جامعه را مطابق انجیل تغییر خواهند داد. به همین دلیل است که پولس به عوض تشویق بردگان به شورش و انقلاب، اربابان را به پیروی از رحمت و انصاف ترغیب می‌کند (کولسیان ۱:۴) و از غلامان می‌خواهد که اربابان خود را با **اخلاص قلب** خدمت کنند (آیه ۲۲). پولس به خوبی آگاه است که تنها راه جهت شروع روند تغییر و تبدیل اجتماعی، ایجاد کردن فضای محبت و احترام متقابل می‌باشد. چرا که پولس می‌داند که اگر در میان غلام و ارباب جوئی مثبت و مناسب و آمیخته به احترام و محبت وجود داشته باشد، رسم برده‌داری به خودی خود از میان خواهد رفت (اول تیموتائوس ۶:۱-۲؛ تیطس ۲:۹-۱۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۲۵** خدا همه را (چه غلام و چه ارباب، چه والدین و چه فرزندان، و چه زن و چه شوهر، صرف نظر از مقام و رتبه)، به یکسان داوری خواهد نمود. در مسیح همه ما برابر می‌باشیم و نه تنها به خاطر اعمال نیکویمان پاداش مناسب را از خدا خواهیم گرفت (افسیان ۸:۶)، بلکه اگر **ظلمی** کرده باشیم نیز، خدا به طور عادلانه جزای آن را به ما خواهد رسانید. زیرا نزد خدا **ظاهر بینی نیست**.

دولت متبوع خود انجام دهد، به همین شکل نیز، ما باید به نام عیسی مسیح برای پیشبرد کارهای او انجام وظیفه نماییم.

چنانکه مشاهده کردیم، در آیات ۱۲-۱۷، شرحی از چگونگی زندگی «انسان جدید و روحانی» به ما داده شده است. انسانی که به قدرت مسیح از ملکوت ظلمت به پادشاهی نور خوانده شده است و به قدرت مسیح از مرگ و گناه به حیات و نجات آورده شده است. آیا ما شبیه انسان جدید هستیم؟ بیایید خود را امتحان و تفتیش کنیم.

### اصول روابط خانوادگی مسیحی (۳:۱۸-۲۵)

**۱۸** افسسیان ۵:۲۲-۲۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید.

**۱۹** افسسیان ۵:۲۵، ۲۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید.

**۲۰** افسسیان ۶:۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید.

**۲۱** افسسیان ۶:۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید.

**۲۲-۲۴** همانگونه که ما از عیسی مسیح پیروی و اطاعت می‌کنیم، به همان گونه نیز باید **آقایان جسمانی** (یعنی رؤسای امور و مسئولین و کارفرمایان) **خود را در هر چیز اطاعت** نماییم. خدا عالم و ناظر به همه چیز است و همه کارهای ما را می‌داند. بعضی افراد فقط وقتی خوب کار می‌کنند که اربابانشان حاضر باشند. ولی ما نباید اینگونه عمل کنیم، خدا همیشه شاهد و ناظر بر اعمال ماست و او چگونگی عملکرد ما را مشاهده می‌کند! پس بیایید همیشه هر کاری را **به اخلاص قلب** انجام دهیم و **آنچه کنید از دل کنید بخاطر خداوند نه بخاطر انسان** (رومیان ۱۱:۱۲؛ افسسیان ۵:۶-۸؛ تیطس ۲:۹-۱۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

## باب ۴

## تعالیم پایانی (۴:۱-۶)

۱ در چشم جهان، بعضی افراد ممکن است ارباب و برخی دیگر غلام به نظر رسند. ولی از دیدگاه خداوند، همه انسانها غلامان او هستند! پس اگر در این عالم رئیس و ارباب هستید، بدانید که شما را نیز آقایی هست در آسمان. و در روز داوری، خدا با رؤساء همان رفتار را خواهد داشت که آنها در این دنیا با غلامان و کارگران خود داشته‌اند (افسیان ۹:۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۲ پولس به کولسیان می‌گوید: در دعا مواظب باشید. ما مسیحیان باید هر فرصتی را جهت دعا کردن و استمداد از خدا غنیمت بشماریم. خداوند مسئولیت دعا کردن را به عهده ما محول نموده است. اگر دعا نکنیم، کمک و هدایت و برکت فراوانی از سوی روح‌القدس دریافت نخواهیم نمود. اگر دعا نکنیم، مُسَلِّماً جوابی هم از خدا دریافت نخواهیم نمود

پولس می‌گوید: در هنگام دعا مواظب باشید و در آن با شکرگزاری بیدار باشید. ولی مواظب چه چیزی باشیم؟ پیش از هر چیز باید مواظب و مراقب اطرافیانمان، چه ایماندار و چه بی‌ایمان بوده، نسبت به نیازهای آنها بیدار باشیم. چشمان روحانی ما باید نسبت به نیازهای دیگران باز باشد. در ثانی باید مراقب حمله‌ها و دسیسه‌های ابلیس بوده، برای محافظت خود و دیگران دعا کنیم (مرقس ۱۴:۳۸؛ افسسیان ۶:۱۸؛ اول پطرس ۵:۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۳ باید دائماً دعا کنیم که خدا درها را برای موعظه کلام خود بگشاید. باید دعا کنیم که خدا راهها را باز کند تا کلام او یعنی انجیل عیسی مسیح به اقصی نقاط جهان نفوذ کند. تا اینکه مردمان بسیاری انجیل و مژده نجات عیسی مسیح را بشنوند و نجات یابند.

۴ پولس معلم و واعظ بزرگ و لایق و موفق بود. ولی با این همه، پولس می‌داند که موفقیت او در امر موعظه در گرو دعاها و ایمانداران است و اگر آنها برایش دعا نکنند، او در کار موعظه و خدمت توفیقی حاصل نخواهد کرد. از این جهت است که پولس از کولسیان می‌خواهد که برای او دعا کنند تا او پیام انجیل را بطوری که می‌باید تکلم کند.

خدا مأموریت بزرگی به ما سپرده است. گو اینکه خدا می‌تواند همه کاری را بدون کمک ما انجام دهد، ولی او اراده نموده است که به جهت پیشبرد ملکوتش ما انسانها را به کار گیرد. همکاری با خدا افتخار بزرگی است! او اراده نموده است که از ما استفاده کند و فرزندان خود را به کار بگیرد. اگر ما مسئولیت خود را انجام ندهیم و در دعا کردن غفلت کنیم، کار خدا و امر بشارت انجیل دچار وقفه و صدمه خواهد گردید.

پس جا دارد که دائماً در دعا مراقب و بیدار باشیم و تنبلی و کاهلی نورزیم. و نیز همیشه مانند پولس از دیگران بخواهیم که برای ما دعا کنند (افسیان ۶:۱۹-۲۰).

۵ پولس در اینجا می‌گوید که زمان را دریابید. منظور این است که از هر فرصت و موقعیتی برای خدمت کلام حداکثر استفاده را بکنید. بیایید هیچ فرصتی را برای خدمت و محبت به دیگران از دست ندهیم. بیایید از هر فرصتی برای رساندن انجیل به دیگران مدد جوئیم و پیش اهل خارج به حکمت رفتار کنیم (افسیان ۵:۱۵-۱۶؛ دوم تیموتائوس ۴:۲).

۶ سخنان ما می‌تواند پُر از فیض و محبت و بنا کننده باشد و یا اینکه تلخ و زنده. چه بهتر که کلام ما مملو از فیض باشد.

کلمات ما باید اصلاح شده به نمک باشد. کلماتی که به نمک اصلاح شده باشد، کلامی است که از حکمت و معرفت خالی نیست. کلام اصلاح شده به نمک، بناکننده و هشداردهنده



از این نکته، درس مهم فرا می‌گیریم. حتی اگر کسی مرتکب گناه و خطایی بزرگ شود، هر قدر هم که گناه و خطای آن شخص بزرگ باشد، باید رحمت و بخشایش را از نظر دور نداریم و او را برای همیشه مقصر ندانیم. ما باید دیگران را ببخشیم و تقصیرات آنها را به دست فراموشی بسپاریم.

توجه کنید که مرقس همیشه در اشتباه و مخالفت با پولس باقی نماند. برعکس، پس از مدتی، پولس و مرقس یکدیگر را بخشیدند و مرقس به دوست و خادم مفید پولس تبدیل شد (دوم تیموتائوس ۴:۱۱). نه تنها این، بلکه خدا مرقس را انتخاب نمود تا اولین کسی باشد که انجیل عیسی مسیح را به رشته تحریر درآورد.<sup>۱۴</sup> ما نباید دیگران را به خاطر خطایای گذشته ملامت کنیم. اگر این کار را انجام دهیم، آنگاه این ما هستیم که مرتکب گناه می‌شویم! زیرا هرگاه حاضر نباشیم که دیگران را از دل مورد بخشش قرار دهیم، به ضد خدا مرتکب گناه شده‌ایم (متی ۶:۱۴-۱۵ را مشاهده کنید).

متأسفانه ما هیچ اطلاعی در مورد **یسوع**، **ملقب به یسُطُس** (آیه ۱۱) نداریم و معلوم نیست که چه کسی بوده است. تنها می‌دانیم که او یهودی و **اهل ختنه** بوده و با پولس **همخدمت** بوده است.

**۱۲-۱۳** **اِپِفراس** یکی از بنیان‌گذاران کلیسای کولسی بود (کولسیان ۱:۷). آیا ما نیز مانند اِپِفراس برای کلیسای خدا **پیوسته ... در دعاهاى خود جدّ و جهد** می‌کنیم (آیه ۱۲)؟ برای پیروزی بر شیطان، باید در دعا جد و جهد کنیم. ما در مبارزه و جنگی روحانی بسر می‌بریم و دعا مهم‌ترین وسیله جهت کسب پیروزی بر

است. به بیانی دیگر، سخنان و گفتار ما باید توأم با حکمت و محبت باشد. لازم است که انجیل مسیح را با حکمت و متانت و محبت به دیگران عرضه نماییم. راههای بسیاری برای ارائه پیام انجیل وجود دارد، بهتر است که با توجه به موقعیت خود و شنوندگانمان، طریقه مناسب را انتخاب نماییم. شاید یک راه بشارت برای یک نفر مناسب باشد ولی برای دیگری نباشد. لذا پیش از هر کار، باید طرف مخاطب خود را بشناسیم و با توجه به شنونده خود، به حکمت سخن گوئیم. باشد که مردم به خاطر رفتار و گفتار خالی از حکمت ما از انجیل رویگردان نشوند (اول پطرس ۳:۱۵).

### تحیات پایانی (۴:۷-۱۸)

**۷-۱۸** پولس این نامه را در زمانی نوشت که در زندان روم بسر می‌برد. **تیخیئس**، دوست و همکار پولس، این نامه را برای کولسیان خواهد آورد (افسیسیان ۶:۲۱-۲۲).

**۹** **انیسیئس** برده‌ای فراری بود که از دست ارباب خود فلیمون به روم گریخته بود. انیسیمس در روم با پولس آشنا شده و از طریق او به مسیح ایمان آورده بود و اینک پولس او را پیش اربابش فلیمون باز می‌فرستد (فلیمون ۱۰-۱۶).

**۱۰-۱۱** **اُرسترخُس** با پولس در افسس بود (اعمال ۱۹:۲۹). پس از آن، او با پولس به روم رفت (اعمال ۲۷:۲).

**مرقس**، همان نویسنده انجیل مرقس است. چندین سال پیش، اختلاف و درگیری میان پولس و مرقس بوجود آمده بود، زیرا مرقس در نیمه سفر پولس را ترک کرده بود. پس از آن واقعه، پولس دیگر در سفرهایش، مرقس را همراه خود نبرد (اعمال ۱۵:۳۶-۴۰). ولی از این نامه، مشاهده می‌کنیم که پولس، مرقس را بخشیده و مسائل گذشته را به دست فراموشی سپرده است.

۱۴- هر چند که انجیل مرقس دومین انجیل در کتاب عهدجدید است، ولی بسیاری از مفسرین کتاب مقدس معتقدند که انجیل مرقس قدیمی‌ترین انجیل است و پیش از انجیل‌های دیگر نوشته شده است.

مسیحیان قرن اول میلادی بسیار ضعیف و فقیر بودند و استطاعت مالی جهت بنای ساختمان برای کلیسا نداشتند.

**۱۶** نامه مذکور در این آیه، مفقود گردیده است و اثری از آن در دست نمی‌باشد.

**۱۷** پولس رسول در اینجا به طور خاصی، یکی از اعضای کلیسای کولسی بنام **آرخیپس** را نصیحت می‌کند. این نصیحت برای ما نیز هست: **با خبر باش تا آن خدمتی را که در خداوند یافته‌ای، به کمال رسانی.** ایکاش ما نیز مانند پولس در آخر عمر خود بتوانیم بگوییم: **به جنگ نیکو جنگ کرده‌ام و دوره خود را به کمال رسانیده، ایمان را محفوظ داشته‌ام (دوم تیموتائوس ۷:۴).**

**۱۸** پولس متن این رساله را به کاتبی دیکته کرده و تا آیه ۱۷ این رساله را کاتب نوشته است. ولی اینک در آیه ۱۸، پولس با دست خودش این سطر را می‌نویسد و به این وسیله به کلیسای کولسی می‌گوید که مطالب این نامه از سوی او دیکته شده است و بدین ترتیب بر اصالت مطالب مندرج در نامه صحه می‌گذارد.

پولس می‌گوید: **زنجیرهای مرا بخاطر داشته باشید.** پولس در تمامی نامه‌های خود از مخاطبین خویش، تقاضای دعا می‌کند. ما باید هرگز از دعا کردن برای دوستان و همکاران و برادران ایمانی خود غفلت نکنیم. بالاتر از همه، باید برای رهبران و واعظین و شبانان کلیساها دعا کنیم که خداوند آنها را برکت داده محافظت فرماید (متی ۲۵:۳۶؛ عبرانیان ۳:۱۳).

ابلیس است (افسیان ۱۸:۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید). باشد که دعای افراس در مورد کلیسای ما نیز مستجاب شود و ما نیز **در تمامی اراده خدا کامل و متیقن شویم.**

**۱۴ لوقای طیب** همان نویسنده انجیل لوقا و کتاب اعمال رسولان می‌باشد. او همکار نزدیک و هم سفر پولس در سفرهای بشارتی او بود.

**دیماس** در زمان نگارش این رساله همراه پولس بود ولی بعدها، برای محبت این جهان حاضر، پولس را ترک کرد (دوم تیموتائوس ۱۰:۴). متأسفانه هیچ گواهی دال بر توبه و بازگشت دیماس در دست نمی‌باشد. واقعیت این است که بعضی مثل مرقس، توبه می‌کنند و به دامان کلیسا باز می‌گردند و بعضی دیگر هرگز توبه نمی‌کنند.

بباید مراقب باشیم که ما نیز مانند دیماس نباشیم و به خاطر دوستی دنیا، از پیروی مسیح دست برداریم.

**۱۵** در نزدیکی کولسی، شهر دیگری بنام **لاودکیه** قرار داشت. کلیسای لاودکیه یکی از هفت کلیسای مذکور در کتاب مکاشفه است. در مکاشفه می‌خوانیم که خداوند نامه شدیدالحنی به کلیسای لاودکیه نوشت (مکاشفه ۳:۱۴-۲۲).

در زمان عهدجدید، اکثر کلیساهای آن زمان کلیساهای خانگی بودند (فلیمون ۱-۲). به احتمال زیاد، دلیل این گردهمایی ایمانداران در جلسات خانگی به دلیل وجود خطرات و فشارهای آن زمان بوده است. از سوی دیگر